



پولیس زن

صاحب امتیاز:

ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت
امور داخله

مدیر مسوول:

سمونوال عتیق الله نیکمل ساعی

تحت نظر هیأت تحریر:

مروه امینی، سمونوال سید شفیع الله سادات،
سمونمل جمال ناصر بنوال، سمونمل جمشید
عزیز و دوهم خرن آزیتا رسولی

گزارشگر:

سجیه حسینی

برگ آرا:

طاہر پیمان

“
در برابر اعمالی که به حقوق اساسی فرد تجاوز کنند - حقوقی که
قانون اساسی یا قوانین دیگر برای او به رسمیت شناخته است - هر
شخصی حق مراجعه، موثر به دادگاههای ملی صالح را دارد.
ماده هشتم اعلامیه جهانی حقوق بشر
”

نشانی: وزارت امور داخله - ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال - سرک هشتاد متره میدان هوایی کابل

شماره های تماس:

رییس هیأت: ۰۲۰۲۲۰۱۳۴۲

مدیر مسوول: ۰۲۰۲۵۶۲۶۴۵ / ۰۷۹۱۲۰۰۳۸۸

ایمیل: womenpolice14@gmail.com

”

حقوق مجنی علیها

مجنی علیهای خشونت دارای حقوق ذیل می باشد:

۱. تعقیب عدلی مرتکب خشونت مطابق احکام قانون.
 ۲. دسترسی به مرکز حمایوی یا خانه امن یا سایر محلات مصوون به موافقه وی.
 ۳. دسترسی به خدمات صحی عاجل طور رایگان.
 ۴. داشتن وکیل مدافع یا مساعد حقوقی.
- ماده ششم قانون منع خشونت علیه زنان

“

فهرست مطالب

سرمقاله	
۶	مسعود اندرابی: طالبان پس از ناکامی در میدان‌های جنگ، به کشتار غیرنظامیان متوصل شده اند
۷	زنان پولیس؛ پیشگامان تغییر و امنیت جامعه
۸	نیروهای دفاعی - امنیتی؛ شاهرگ ثابت و قوام افغانستان و منطقه
۱۰	کودکان افغانستان با مشکلات جدی مواجه‌اند و باید مورد حفاظت قرار گیرند
۱۲	رویای حوا رضایی به کمک شوهرش به حقیقت مبدل شد
۱۴	په افغاني ټولنه کې د ښځو پر وړاندې تعليمي خنډ
۱۶	په افغاني ټولنه کې ښځه د بدو رواجونو ښکار
۱۸	نتایج یک تحقیق؛ ۸۹ درصد «معلولان» از طرز فکر جامعه رنج می‌برند
۲۰	د اسلام له نظره د ښځو اقتصادي گډون
۲۲	برنامه‌ی آموزش راننده‌گی برای زنان در جوجان
۲۴	فوزیه کوفی جایزه‌ی «تنوع و توسعه‌ی پایدار» بنیاد خانه‌ی آسیا را از آن خود کرد
۲۶	فصل سرما و کودکان خیابانی
۳۰	افغان مېرمنې د هنر په برخه کې
۳۲	شعر بخوانیم
۳۴	حضرت پې پې فاطمه الزهرا رضی الله تعالی عنها
۳۶	په افغانستان کې د بشري حقونو ارزښت او ستونزې
۳۸	حسینه صافی: ښځې په دولت جوړونه کې مهم او ارزښتناک رول لري
۳۹	دختران ورزشکار به حمایت از پولیس ملی ۲۰ کیلو مترفاصله را رکاب زدند
۴۰	رخشانه، از نخستین آواز خوانان زن افغانستان درگذشت
۴۲	یافته‌های هیئت نظارتی ریاست حقوق بشر وزارت امور داخله از ولایت هلمند
۴۴	مروه امینی: فعالیت اداره‌ی «مبارزه علیه آزار و اذیت» به زنانی که امکان دسترسی به ادارات دولتی را ندارند کمک بزرگی می‌کند
۴۶	زنان پولیس بهتر می‌توانند به قضایای خانواده‌گی رسیده‌گی کنند
۴۸	افراد شوخ طبع از آرامش بیشتر روانی برخوردار اند
۵۰	کمیسون حقوق بشر: آتش بس کنید؛ ادامه‌ی خشونت‌ها زنان و کودکان بیشتر را آسیب می‌زند

همه‌ی ما در برابر بازمانده‌گان

شهدای نیروهای امنیتی

مسئولیت داریم سرمقاله



نیروهای پولیس ملی پاس‌داران واقعی عزت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان هستند که با گذشت هر روز مورد اعتماد بیشتر مردم قرار می‌گیرند و این نیروها همواره در برابر تروریستان و دشمنان صلح و ثبات مردم افغانستان سینه‌ی خود را سپر نموده و ثابت ساخته‌اند که قهرمانان واقعی و فرزندان اصیل کشور هستند.

بدون شک مردم افغانستان، جانفشانی‌ها و قهرمانی‌های نیروهای امنیتی و دفاعی شان در دفاع از کشور و حفاظت از جان و مال مردم را هرگز فراموش نخواهند کرد و در هر لحظه به حمایت از آن‌ها کنارشان خواهند بود.

نیروهای قهرمان امنیتی کشور جهت تامین امنیت مردم و حفاظت از مال شان قربانی‌های بیشمار داده‌اند. همان گونه که هموطنان شریف حمایت خود را از نیروهای امنیتی اعلام داشته‌اند، انتظار داریم در حد امکان از خانواده‌ها و بازمانده‌گان نیروهای امنیتی هم حمایت کنند. فرق نمی‌کند که چه کمکی به یکی از بسته‌گان شهدای نیروهای امنیتی انجام می‌دهید؛ اما آنچه قابل اهمیت است این که در حد توان تان، در هر بخشی که ذهن تان یاری می‌دهد و دست تان می‌رسد کوتاهی نکنید. شاید یکی از شما یتیم یک سرباز شهید نیروهای امنیتی را شامل مکتب بسازید! بدون شک این کمک بزرگی است، چون با این کار تان آینده‌ی او را تضمین کردید. کاری که اگر پدرش زنده می‌بود مسئولیت انجام آن را داشت، اما به خاطر تامین امنیت من و تو جام شهادت نوشیده است. پس با این کارمان ما نیز اندکی دین خود در برابر یک شهید نیروهای امنیتی مان را ادا کردیم.

به همین ترتیب در هر سطح و هر بخشی که دست تان می‌رسد اگر به یکی از بسته‌گان شهدای نیروهای امنیتی بر می‌خورید به او کمک کنید. یادمان باشد که همه‌ی ما در برابر هر یکی از اعضای خانواده‌ها و بسته‌گان شهدای نیروهای امنیتی مسئولیت داریم، زیرا آن‌ها به خاطری شهید شدند که ما و شما در امنیت زنده‌گی کنیم.

دولت جمهوری اسلامی افغانستان به پاسداری از قهرمانی‌های شهدای نیروهای امنیتی خانواده‌های آن‌ها را همواره مورد تقدیر قرار داده است.

با فرا رسیدن فصل سرما شاید شماری از هموطنان نادار ما به حمایت و همیاری نیاز داشته باشند که در این میان نیز خانواده‌های شهدای نیروهای امنیتی و سایر شهدای که در حملات تروریستی شهید شده‌اند بیشتر به کمک نیاز دارند، مسئولیت انسانی و شهروندی ماست که دست همدیگر را بگیریم، چون سخن معروف است که؛ بنی آدم اعضای یکدیگر اند...

افغانستان خانه‌ی مشترک همه افغان‌هاست و غم و شادی باشندگانیش نیز مشترک است. تجربه‌ی تاریخی ثابت ساخته که مردم افغانستان روزهای دشواری را بارها تجربه کرده‌اند، اما با حفظ یکپارچگی و وحدت در مقابل هر آزمونی موفق شده‌اند.



محمد مسعود اندرابی:

طالبان پس از ناکامی در میدان‌های جنگ، به کشتار غیرنظامیان متصل شده اند

محمد مسعود اندرابی وزیر امور داخله کشور، به روز دوشنبه (۱۵ جدی) با حضور در پارلمان ضمن پاسخ به پرسش‌های نماینده‌گان مردم در مورد وضعیت امنیتی کشور، پیرامون پلان‌ها و برنامه‌های کاری این وزارت معلومات مفصل و همه جانبه ارایه نمود. وزیر امور داخله در نشست عمومی مجلس نماینده‌گان گفت که گروه طالبان به منظور امتیازگیری بیشتر در روند صلح، حملات خود را در کشور افزایش داده اند و تحرکات شان در ولایات مختلف کشور از سوی نیروهای امنیتی و دفاعی دفع گردیده است. وزیر امور داخله با اشاره به این که تمام قتل‌های هدفمند از سوی گروه طالبان سازماندهی می‌شود، تصریح کرد که این عملکرد طالبان بیانگر ضعف و شکست این گروه در میدان‌های نبرد است.

او گفت که به منظور خنثی‌سازی و مهار پلان‌های خصمانه‌ی تروریستان، برنامه و پلان‌ها روی دست گرفته شده است. وزیر امور داخله در بخشی از سخنانش تصریح کرد: کار روی ایجاد یک ظرفیت جدید که متشکل از نیروهای امنیتی و دفاعی می‌باشد، جریان دارد و در حال حاضر یک بخشی از آن در ولایت فراه فعالیت‌های شان را آغاز نموده که نتیجه‌ی مطلوبی را در سرکوب تروریستان طالب در پی داشته است.

محمد مسعود اندرابی همچنان از برنامه‌ها و پلان‌های اجرایی یاد کرد و گفت: «ما به خاطر خودکفایی نیروهای امنیتی یک پلان مشترک داریم که اکنون در حال اجرا می‌باشد.» او تصریح کرد که در وزارت امور داخله با فساد مبارزه‌ی جدی صورت گرفته و در حال حاضر فساد سازمان یافته از این وزارت ریشه‌کن گردیده است و در برخی واحدهای که فساد اداری به شکل فردی وجود داشته باشد، تلاش بر شناسایی و مهار آن نیز جریان دارد.

پیش از این به تاریخ نهم جدی سال جاری خورشیدی محمد مسعود اندرابی وزیر امور داخله‌ی کشور در نشست عمومی مجلس سنا حضور یافت و در مورد اوضاع امنیتی کشور به سناتوران معلومات داد.

وزیر امور داخله با اشاره به افزایش خشونت‌ها از سوی گروه طالبان به منظور کسب امتیاز بیشتر در روند گفتگوهای صلح، گفت که این گروه پس از ناکامی در جبهات جنگ، به کشتار مردم ملکی رو آورده‌اند که این عمل آنان جنایات جنگی و همچنان در مغایرت با تمام اصول و ارزش‌های اسلامی و بشری می‌باشد.

وزیر امور داخله گفت که طالبان پس از شکست در میدان‌های جنگ و متقبل شدن تلفات سنگین، اکنون دست به ترورهای هدفمند و جاسازی ماین‌های مقناطیسی و کنار جاده‌یی زده‌اند که قربانی آن همه افراد ملکی و بی‌گناه می‌باشند.

آقای اندرابی تصریح کرد که اقدامات عملی برای مهار و از بین بردن شبکه‌های تروستی که در ترورهای هدفمند و جاسازی ماین‌ها نقش دارند، برداشته شده و تعدادی از این جنایتکاران نیز از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده‌اند.

وزیر امور داخله همچنان در این نشست مجلس، روی برخی از موضوعات در مطابقت به پرسش‌های سناتوران از جمله چگونگی تشکیلات پولیس و رسیدگی به چالش‌های منسوبین متقاعد، به صورت مفصل معلومات ارائه نمود.

زنان پولیس؛ پیشگامان تغییر و امنیت جامعه

♦ وحیده اچکزی

و نیازمندی جامعه در صفوف نیروهای پولیس ملی کشور افزایش دهد.

این وزارت همچنان برای سهمگیری بیشتر زنان در صفوف پولیس ملی، سهولت‌ها و امتیازهای بیشتری را برای زنان نیز در نظر گرفته است، به پولیس زن که در مرحله آموزش قرار دارند؛ امتیاز و حقوقی را می‌دهد که پولیس‌های شامل در اجرای وظیفه می‌گیرند. این فرصت‌ها به زنان و دختران کمک می‌کند که در تشکیلات پولیس شامل شوند و در بالا رفتن نقش زنان در نیروهای امنیتی کمک نمایند، پایگاه اجتماعی زنان را تقویت کرده و ساختار تک جنسیتی جامعه را بشکنند.

با وجودی که دولت در زمینه‌ای جلب زنان در صفوف نیروهای امنیتی، این سهولت‌ها را در

نظر دارد و اکنون پولیس زن در بخش‌های سربازی، کارمندی و مدیریت شامل تشکیلات پولیس می‌باشند و این رقم در جامعه سنتی افغانستان امیدوار کننده است. اما روند شمولیت زنان در تشکیلات پولیس ملی متأسفانه هنوز هم با یکسری دشواری‌ها روبرو است که بیشتر این چالش‌ها بر می‌گردد به دید و باورهای کهنه در جامعه. بنابر این به‌خاطر رفع این چالش، شهروندان افغانستان همه مسؤولیت دارند تا در برابر این چالش‌ها ایستاده‌گی نموده و مسؤولیت شهروندی خویش را انجام دهند تا دختران و زنان با علاقه مندی بیشتر به صفوف نیروهای پولیس ملی بپیوندند.

هرچند در حال حاضر شماری زیادی از دختران و زنان در کابل و شهرهای بزرگ کشور در صف نیروهای امنیتی وظیفه اجرا می‌کنند و این کار به یک امر عادی مبدل شده است، اما هنوز هم در برخی مناطق روستایی و دور دست کشور حضور زنان در صفوف نیروهای امنیتی تابو تلقی می‌شود. بنا بر این برای این که حضور زنان در پولیس همانند سایر بخش‌ها روال عادی را بپیماید. در گام نخست دولت باید بیشتر از همه، برای ایجاد محیط سالم و مصوون برای زنان توجه کند.

راه دیگر، این است که زنان از زمینه‌ها استفاده کرده شامل پولیس شوند. حضور پررنگ زنان در صفوف نیروهای امنیتی کمک می‌کند که فضای ناسالم فراراه فعالیت زنان در عرصه‌های امنیتی بشکند و کمک کند که زمینه‌ی دادخواهی و کمک به زنان، بیشتر از گذشته ایجاد شود. به این خاطر دختران و زنان باید از فرصت‌های موجود استفاده کرده و شامل پولیس شوند و همراه با خواهران دیگر در اتوریت و تقویت جایگاه زنان در جامعه و توانمندی نیروهای پولیس نقش بگیرند.



با آن که در دو دهه‌ی گذشته با حمایت حکومت، حضور زنان جامعه بیشتر شده است و برای زنان فرصت‌های خوبی مساعد شده است که تحصیل کنند و نقش‌های اجتماعی داشته باشند. اما نبود فضای باز اجتماعی، ساختار سنتی جامعه، رسم و عنعنات و باورهای کهنه، عدم امنیت و ساختارهای تک جنسیتی جامعه از جمله چالش‌های عمده‌ای به حساب می‌آیند که سبب می‌شود، زنان در مقایسه به جمعیت شان هنوز هم در عرصه‌های اجتماعی حضور کمتری داشته باشند. زنان افغانستان که در زمان حاکمیت طالبان از حقوق اولیه‌ی انسانی شان محروم بودند و نمی‌توانستند به کار و تحصیل بپردازند؛ پس از شکل گیری نظام جدید در تحت حمایت جامعه‌ای جهانی، این محدودیت‌های رسمی و نظاممند در برابر زنان شکسته شد و اکنون می‌توان گفت تقریباً از بین رفته است. در حال حاضر زنان می‌توانند برای آموزش و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شان در جامعه حضور داشته باشند و به آموزش و تحصیل بپردازند و افزون بر این که در اداره‌های ملکی حکومتی وظیفه اجرا می‌کنند، در ترکیب نیروهای پولیس و اردو نیز شامل شوند و در عرصه‌ی سیاست با مردان، برای رهبری جامعه نقش فعال و تاثیرگذار را داشته باشند.

حضور زنان در صفوف نیروهای امنیتی به ویژه پولیس ملی یکی از نیازهای جدی جامعه است که بدون حضور زنان کارکرد نهادهای امنیتی ناقص می‌باشد.

دولت برنامه‌های را برای جلب، تربیت و آموزش زنان در بخش رهبری و رزمی نیروهای امنیتی روی دست دارد و برای زنان فرصت‌های بیشتری را در نظر گرفته است که شامل صفوف پولیس ملی و اردو ملی شوند.

وزارت امور داخله با استفاده از فرصت و امکاناتی که این وزارت در اختیار دارد، تلاش می‌کند تعداد پولیس زن را بنا به ضرورت

نیروهای دفاعی - امنیتی؛

شاهرگ ثبات وقوام افغانستان ومنطقه

♦ سید لطیف سجادی



دست و پا می‌باشد؛ بنابر این نیروهای دفاعی و امنیتی به عنوان نظامیان کشور دارای اهمیت و ارزشی است که اصل نظام و ساختار نیز اهمیت و بقای آن به نیروهای نظامی وابسته است، با درک این مهم، کشور ما یکی از کشورهایی است که در معرض آسیب پذیری بیشترین تروریسم و افراط گرایان قرار دارد، بنا بر بعضی آمارها در حال حاضر بالغ بر یازده گروه تندرو تروریستی در کشور به فعالیت‌های تخریبی مصروف اند که در نوع خودش به جرأت می‌توان گفت: یکی از کشورهایی هستیم که به لحاظ تهدیدات تند روانه و تروریستی، در صدر کشورهای مبارزه با تروریسم قرار داریم که هیچ کشوری تا این حد و مرز در برابر این تهدیدات ایستاده‌گی نکرده اند.

کشور ما به لحاظ اهمیت ژئوپولیتیکی در منطقه و جهان، همیشه در معرض آسیب پذیری گروه‌های تند رو قرار داشته و دارد؛ لذا به مردم افغانستان و جامعه‌ی جهانی واضح و آشکار است که نیروهای دفاعی و امنیتی ما، صادقانه با جان نثاری‌های بی‌بدیل شان، در برابر تروریسم بین المللی سینه سپر کرده و با شهامت و رشادت منطقه و جهان را از

مطالعات امنیتی، از مباحث ویژه و دارای اهمیت تئوریک در دنیای کنونی است، نظم جهانی و استقرار دنیای عاری از خشونت و افراط گرایی از مباحث عمده‌ی مطالعات امنیتی است که تئوری پردازان و اتاق‌های فکر نخبه‌گان نظامی را به خود معطوف داشته است، استقرار نظم جهانی و ثبات آن در چارچوب قوانین و معاهدات بین المللی بر علاوه‌ی سائر ابعاد، بخش عمده و با اهمیتش که ثقل توجه عموم را به خود جذب کرده است، در بازوان توانمند نیروهای نظامی گره خورده است، وقتی که حرف از نظام به میان می‌آید، این نکته در ذهن نقش می‌بندد که یعنی کشور با تمام ساز و برگ و ساختار آن به عنوان نظام قلمداد میشود، در واقع چنین تبادر ذهنی به دور از واقعیت نیست، نظام یعنی ساختار سیاسی حاکم در کشور، و نظامی یعنی حامی و بازوان توانمند محافظ این ساختار.

نیروهای نظامی به عنوان ضمانت اجرای قوانین و حافظ تمامیت ارضی، وجهه و وزنه‌ی برابری با کل ساختار و موجودیت یک نظام را در خود جا داده است، طوری که تشکیل دولت، در نبود نیروی نظامی به مثابه بدن بدون

تحقیقی و بزرگداشت‌هایی را به مناسبت رخداد گوناگون امنیتی از دست آوردهای نیروهای دفاعی و امنیتی شکل دهند و در این همایش‌ها با حضور و حمایت رسانه‌های کشور، از این قهرمانان تجلیل و بزرگداشت به عمل آید. سرباز یگانه گزینه‌ی است که مردم در حساس‌ترین شرایط ناگوار امنیتی به آنان چشم می‌دوزند، تنها میله‌ی تفنگ سرباز است که رمز بقای نظام و آسایش شهروندان را در برابر گروه‌های دهشت افکن به خود جا داده است و در هر جای کشور که در معرض تهدید و ناامنی قرار می‌گیرند، مردم افغانستان و مقامات حکومت فقط از سربازان و قوای دفاعی و امنیتی انتظار بازگشت امنیت و آسایش خاطر شهروندان را دارند.

هر سربازی که مشغول خدمتگزاری در چارچوب نهادهای امنیتی است، متعلق به کشور افغانستان و فرزندان مادران این سرزمین اند، آنان با احساس مسوولیت در قبال حفظ تمامیت ارضی، خانه و کاشانه‌ی خویش را به قصد سنگرهای دفاعی در کوه‌ها و بیابان‌های دشوار جنگ‌خیز، ترک می‌نمایند که خاک مقدس را از چنگال منحوس دهشت افگنان نجات بخشند، سنگرهای دشوار این سربازان قهرمان که در کوهپایه‌های بلند و بیابان‌های وطن، مسکن گزیده اند، در برابر دشمن از خاک و مردم خود دفاع می‌نمایند. شهروندان افغانستان به طور دایم حمایت و پشتیبانی خویش را از این نیروها اعلام داشته اند که این کار سبب تشویق و روحیه بخشی به آنها شده و انگیزه‌ی دفاعی و مقاومتی آنان را در برابر دشمن بلند برده است.

شر این هیولاهای خون آشام در امان نگهداشته است، همه می‌دانیم که تروریسم و افراط گرایی، یک پدیده‌ی بین‌المللی است که منحصر به کشور خاص نمی‌شود، آنان با یک هدف و ایدئولوژی مشترک از کشورهای مختلف در برابر نظم جهانی می‌جنگند و خواهان آن هستند تا ایدئولوژی خود را در جهان حاکم بسازند؛ به همین دلیل، افغانستان به عنوان کشوری دارای اهمیت سوق الجیشی برای فعالیت این گروه‌ها، از اولویت برخوردار است، لذا نیروهای دفاعی - امنیتی افغان، نه تنها که جهت حفظ نظام و استحکام ثبات در برابر این گروه‌ها می‌رزمند؛ بلکه تأمین امنیت منطقه و جهان نیز از بازوان توانمند نیروهای امنیتی و دفاعی افغان در حال تحقق است.

نیروهای دفاعی و امنیتی افغانستان به عنوان ثقل مقاومت و یکی از نیروهای بازدارنده‌ی مهم، در برابر تروریسم بین‌المللی نه تنها که از خاک افغانستان و شهروندان این کشور در برابر تندروان محافظت میکنند؛ بلکه به عنوان بازوان توانمند تأمین امنیت و ثبات منطقه‌ی و جهانی نیز قلمداد می‌شوند؛ بنابراین تنها نامگذاری یک روز در سال تحت عنوان (روز سرباز) هر چند نیک و پسندیده است، اما به خاطر قدردانی از فعالیت‌های مؤثر این نیروها کافی نیست، بنا بر این بر می‌تابد افزون بر این که در این روز که بنام روز سرباز نامگذاری شده است با رفتار نمادین ظاهری و با اظهار علاقه قلبی، در تقدیر از روز سرباز باید به دلجویی این عزیزان رفت؛ بلکه لازم و ضروری است که عموم شهروندان و به خصوص فرهنگیان عزیز، سیمینارهای علمی



کودکان افغانستان بامشکلات جدی مواجهه‌اند و باید مورد حفاظت قرار گیرند

اسما سپهر



خطرات جدی مواجه‌اند و نیاز است تا از سوی نهادهای مربوط به وزارت امور داخله مورد حمایت و حفاظت قرار بگیرند. وزیر امور داخله گفته است: «طوری که تحقیقات نشان می‌دهند، کودکان در افغانستان با خطرات و آسیب‌های گوناگون روحی و جسمی روبرو هستند. کودکان، خشونت‌های متعددی را از سوی جنایتکاران، گروه‌های سازمان‌یافته‌ی تبه‌کار، افراد مسلح غیرمسئول، مخالفان مسلح دولت، ناقضان حقوق بشر و حتی از جانب والدین و معلمان متحمل می‌شوند.» وزیر امور داخله هم‌چنین تاکید کرده است که انجام کارهای فزیکتی ثقیل، سوءاستفاده‌های جنسی، گدایی‌گری اجباری، و اختیاری، گماشتن کودکان در حملات انتحاری و انفجاری، فروش و قاچاق مواد مخدر، سپر ساختن کودکان در منازعات مسلحانه توسط مخالفان دولت و غیره از جمله موارد اساسی و مهمی‌اند که کودکان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. آقای اندرابی با توجه به تدوین پالیسی وزارت امور داخله

وزارت امور داخله افغانستان با تدوین یک پالیسی به منظور تامین حقوق و حفاظت از کودکان، درنظر دارد تا در تمام قطعات و جزو تام‌هایش تشکیل پولیس اختصاصی کودکان را اضافه کند.

این سند جدید که تحت عنوان «پالیسی وزارت داخله برای تامین حقوق و حفاظت از کودکان» در نیمه‌ی دوم سال جاری خورشیدی تهیه و تدوین شده است، هم‌اکنون ضمانت اجرایی دارد. این پالیسی در چهار فصل و بیست‌وهشت ماده بر مبنای حکم قانون حمایت از کودکان و هم‌چنین قانون رسیده‌گی به تخلفات کودکان توسط وزارت امور داخله و به کمک یونیسف پس از انجام تحقیقی در باره‌ی عوامل مواجه شدن کودکان با مشکلات و چالش‌ها در راستای تامین حقوق‌شان، تدوین شده است.

محمد مسعود اندرابی وزیر امور داخله، در مقدمه‌ی این پالیسی گفته است که کودکان در افغانستان با مشکلات و

پروتکل‌های رفتاری پولیس با کودکان متخلف و قربانی، کودکانی در معرض خطر و کودکانی که رفتارهای غیرعادی دارند، از دیگر اهداف این پالیسی است. حسنا جلیل نوشته است: «تمام ادارات ملکی و نظامی وزارت امور داخله مکلف اند که برای تطبیق این پالیسی و اجرای پلان تطبیقی آن اقدامات لازم را اتخاذ نموده و در راستای عملی شدن هدیای آن از هیچگونه عملی دریغ نورزیده و از امکانات دست‌داشته در این زمینه استفاده‌ی لازم و ضروری نمایند.»

وزارت امور داخله در این پالیسی گفته است که تامین و حفاظت از حقوق طبیعی، شرعی و قانونی کودکان توسط پولیس و استخدام و همچنین افزایش ماموران پولیس مسلکی و پولیس اختصاصی کودکان در تمام نهادها، قطعات و جزوتم‌های وزارت امور داخله، از اهداف اصلی تدوین این پالیسی می‌باشد.

در همین حال، یک نماینده‌ی یونیسف، می‌گوید که قرار است در آینده‌ی نزدیک حکمی نیز از سوی وزیر امور داخله به منظور توظیف دو مامور پولیس در هر حوزه‌ی امنیتی به منظور تامین و حفاظت از کودکان صادر شود. به گفته‌ی او، این ماموران برخلاف اصول رایج در وزارت امور داخله، تغییر و تبدیل نخواهند شد و به صورت دایمی در حوزه‌ای که توظیف می‌شوند، در راستای تامین حقوق و حفاظت از کودکان کار و فعالیت خواهند کرد.

در همین حال سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری گفته است که قانون حمایت از کودکان برای تصویب دوباره به مجلس نماینده‌گان فرستاده می‌شود.

برای تامین حقوق و حفاظت از کودکان، گفته است: «تمام قطعات، جزوتم‌ها و اداراتی که در چوکات وزارت امور داخله فعالیت می‌کنند، در امر تطبیق و اجرای این پالیسی مکلف می‌باشند. همچنین مرجع نظارت‌کننده از این پالیسی مکلف است از تطبیق آن نظارت همه‌جانبه و همیشگی نموده و گزارش‌های لازم را به وقت و زمان آن به مراجع ذیربط ارایه بدارد.»

همچنین حسنا جلیل معین پالیسی و استراتیژی وزارت امور داخله که در تدوین پالیسی تامین حقوق و حفاظت از کودکان نقش اصلی را داشته نیز، در مقدمه‌ی این پالیسی گفته است که کم توجهی به کودکان، به مفهوم بی‌توجهی و تغافل بر آینده و سرنوشت کشور خواهد بود. خانم جلیل گفته است: «در جهان امروز اکثر کشورها در قوانین خویش حقوق ویژه‌ی برای کودکان قایل شده و نقض این حقوق به یک چالش بزرگی در این کشورها تبدیل شده است. افغانستان هم از جمله کشورهایی است که در اثر جنگ‌های داخلی حقوق کودکان نقض شده و بیشترین ضرر به کودکان وارد شده است.»

معین پالیسی و استراتیژی وزارت امور داخله همچنین گفته است که این پالیسی به تامین حقوق و حفاظت از کودکان در بودجه‌ی سالانه‌ی وزارت امور داخله اولویت می‌دهد و به چگونگی استفاده از منابع بشری و استخدام منسوبین پولیس رسیدگی به تخلفات کودکان تمرکز دارد.

آموزش و ارتقاء ظرفیت مسلکی کارمندان و منسوبین وزارت امور داخله، تقویت مدیریت و نظارت از عملکرد پولیس در قبال کودکان و قضایای مربوط به آن‌ها، طرز سلوک و





رویای حوا رضایی به کمک شوهرش به حقیقت مبدل شد

حرفه‌ای یاد گرفت. حالا فریبا در کنار والیبال به دیگر رشته‌های ورزشی نیز فعالیت دارد.

او می‌گوید: «همه‌ی ما در خانواده شطرنج بازی می‌کنیم. بایسکل‌رانی هم می‌کنم. دوبار در مسابقه‌ی بایسکل‌رانی اشتراک کردم که هر دو بار مقام دوم را گرفتیم.»

مسئولان اداره‌ی ورزش ولایت دایکندی می‌گویند که شمار زیاد دختران جوان در دایکندی علاقه‌مند ورزش هستند، اما نبود ورزشگاه برای دختران از چالش‌های عمده فراراه آنان است. به گفته‌ی آنان تا هنوز یک ورزشگاه کوچک در این ولایت ساخته شده که پاسخگوی نیازهای تمام ورزشکاران نیست.

خان‌علی غلامی آمر تربیت بدنی دایکندی می‌گوید، نزدیک به ۳۰ درصد ورزشکاران دایکندی دختران هستند که در هشت رشته‌ی ورزشی فعالیت دارند.

او همچنان می‌گوید: «زمینه‌ی ورزش را برای دختران علاقه‌مند مساعد کردیم. در گذشته کم بود تا این که ما دو هزار و شش صد و هشتاد نفر راجستر کردیم که بسیار مسلکی هستند. در بخش فول رزم ۹ دختر عضویت تیم ملی را گرفته بودند.»

زنانی چون حوا رضایی در ولایت دایکندی با فعالیت‌های ورزشی برای زنده‌گی سالم و بهتر مبارزه می‌کند، اما عدم حمایت حکومت از فعالیت‌های زنان و نبود امکانات مناسب از چالش‌های است که فراراه زنان در این ولایت قرار دارد.

حوا رضایی نخستین زنی است که در ولایت دایکندی به فعالیت‌های ورزشی روی آورد.

او که مادر چهار فرزند است می‌گوید از کودکی علاقه‌مند فعالیت‌های ورزشی بود، اما موانع سنت‌های اجتماعی فرصت ورزش را برای خانم رضایی نداد.

خانم رضایی می‌گوید پس از آن که ازدواج کرد رویای چندین ساله‌اش تحقق پیدا کرد و به همکاری شوهرش پس از ۱۳ سال تمرین، والیبال، فوتبال و فول رزم را به شکل حرفه‌ای یاد گرفت. او اکنون دختران را به شکل رایگان در زمینه‌ی ورزش آموزش می‌دهد: «پس از آن که به سطح استادی رسیدم علاقه‌مند این شدم در بخش آموزش دختران فعالیت کنم. چون یک زن بودم فکر کردم که حتماً موفق می‌شوم که به‌خاطر نهادینه شدن ورزش، دختران را به ورزش تشویق کنم. خیلی هم تلاش کردم. بعد از سال ۱۳۹۴ فعالیت‌های خود را رسماً آغاز کردم که تا هنوز شاگردان خیلی موفق دارم.»

حوا رضایی امیدوار است که با فعالیت‌های ورزشی دختران بیشتر را به ورزش تشویق کند. مهم‌تر از همه عبور از موانع سنتی در جامعه‌ی که با حضور زنان در میدان‌های ورزشی چندان روی خوشی نشان نمی‌دهد، یکی از رویاهای خانم رضایی است.

فریبا قولک‌زاده ۱۷ سال سن دارد و در صنف یازدهم مکتب درس می‌خواند می‌گوید، زمانی که ۹ ساله بود در محیط خانه به ورزش روی آورد سپس والیبال را به همکاری خانم رضایی به شکل

فعالیت زنان ورزش کار در باولینگ

◇ سحیه حسینی

می‌گیرد. از این خاطر کمتر مردم ما را اذیت و آزار می‌کنند و ما با فکر آرام و آزادانه ورزش می‌توانیم. سه سال پیش این بازی را به عنوان یک نوع سرگرمی شروع کردم؛ اما آهسته آهسته برایم جذاب شد و تا که امروز در جمع ورزشکاران دیگر مصروف بازی هستم. من خوشحال هستم از این که محیط یا فضای ورزش باولینگ در کابل به خصوص برای دختر خانم‌ها مساعد شده است. آرزویم این است که بتوانم روزی در مسابقات بیرون مرزی رفته و مدال برای کشور خود به دست بیاورم.» در ادامه سونیا سلطانی در مورد چالش‌های که در عرصه‌ی این بازی داشته است چنین می‌گوید: «ما در جامعه‌ی سنتی زنده‌گی می‌کنیم، طبعاً مشکلات زیادی سر راه ما قرار داشت که نباید به حرف‌های مردم توجه کنیم. با این حال حضور بانوان در این ورزش پررنگ دیده می‌شود.» این مسابقات که روز پنج‌شنبه، بیست و هفتم قوس به پایان رسید، در بخش بانوان از ولایت‌های کابل، بلخ و هرات برای راه‌یابی به تیم ملی، ورزشکاران به رقابت پرداختند که در نهایت بانوان کابل توانستند حریفان خود را شکست داده و به تیم ملی باولینگ کشور راه پیدا کنند.

فدراسیون باولینگ می‌گوید که در این مسابقات، چهره‌های برتر پس از شناسایی به تیم ملی راه پیدا کرده‌اند که در بخش بانوان سه خانم هر یک زحل بیات عنوان قهرمانی، سارا عباسی مقام نایب قهرمانی و سونیا سلطانی مقام سوم را کسب نموده است.

سارا عباسی که مدت یک و نیم سال می‌شود در این ورزش فعالیت دارد چنین می‌گوید: «باولینگ ورزش دل‌چسب و لذت بخش است که با چندبار بازی کردن به عنوان سرگرمی، تصمیم گرفتم به شکل حرفه‌ای این ورزش را یاد بگیرم و شامل تیم ملی باولینگ شوم. خوش‌بختانه توانستم به تیم ملی باولینگ‌بازان بانوان راه پیدا کنم و مقام دوم را کسب کنم. باولینگ برای من بسیار ورزش خوبی بوده چون از طریق این ورزش توانستم دوستان زیادی پیدا کنم و حمایت خیلی‌ها را به دست بیاورم و بین همه محبوب شوم.»

سونیا سلطانی دختر خانمی است که در مسابقات نهایی توانسته مقام سوم را کسب کند. او در مورد ورزش باولینگ می‌گوید: «ورزش باولینگ، بازی است که دختر خانم‌ها می‌توانند به راحتی بازی کنند؛ زیرا این ورزش در فضای بسته صورت

باولینگ یک ورزش و سرگرمی نوپا در افغانستان است. فدراسیون باولینگ در چوکات کمیته‌ی ملی المپیک در سال ۱۳۹۶ رسماً افتتاح شده و به فعالیت آغاز کرد. در این مدت، ورزش باولینگ در افغانستان طرفداران خاص خود را اعم از پسران و دختران پیدا کرده است. در کنار فدراسیون ملی باولینگ اکنون ورزشگاه‌های مخصوص باولینگ، فضا را برای بازی جوانان فراهم ساخته است. رقابت دور پایانی مسابقات انتخابی تیم ملی باولینگ به مدت ۱۵ روز بین ۲۴ ورزشکار از سه حوزه‌ی شمال، مرکز و غرب کشور با همکاری فدراسیون ملی باولینگ در کابل به میزبانی ورزشگاه (فریندز) برگزار شد. بر بنیاد گفته‌ی ادریس فاروقی، مسوول فدراسیون ورزش باولینگ، این مسابقات با حضور ۱۲ بانو و ۱۲ آقا در چهار اسکواد سه نفری انجام شد که از آن جمله برای دور نهایی ۶ بانو و ۶ آقا با هم در زون‌های شمال، غرب و مرکز مسابقه دادند.

از میان این بازیکنان در بخش بانوان زحل بیات، سارا عباسی و سونیا سلطانی توانستند به تیم ملی بانوان کشور راه پیدا کنند.

زحل بیات که مقام نخست رقابت‌های باولینگ را در دور نهایی کسب نموده است،

می‌گوید: «من همیشه ویدیوهای

ورزش باولینگ را می‌دیدم تا این که آهسته آهسته به ورزش باولینگ علاقه‌مندی پیدا کردم و با حمایت خانواده‌ام این ورزش را آغاز کردم. این ورزش را دو سال می‌شود که آغاز کردم. در جریان این دو سال تغییرات مثبتی در زنده‌گی‌ام به وجود آمده است. برای من باولینگ عشق، زنده‌گی و ورزش است که می‌توانیم در بین مردم خود را مشهور بسازیم. من مسابقات زیادی را در کابل شرکت کردم و در سال ۲۰۱۷ نیز به کشور کویت یک سفر داشتم که توانستم دست‌آوردهای خوبی را نیز داشته باشم.»



په افغاني ټولنه کې د ښځو پروړاندې تعليمي خنډ

◇ محمدالله شاکر

هر څه تجربه شوي دي، تاسو لېدلي يا هم اورېدلي به مو وي چې هغه سړي يا هغې ښځې ځان وژنه وکړه! چې ډېرې پېښې بيا د ښځو له خوا کيږي؟ چې دا ولې؟ که د هرې پېښې شاليد وڅېړل شي؛ نو تر شاه يې حتماً يوه ستونزه وي چې حل کړې يې نه وي او يا هم ورته پرېښودل شوې نه وي.

زموږ ټولنه چې تر هر څه ورته خپل دود او دستور مهم ښکاري، نور څه ته فکر نه کوي؛ نه شاه ته گوري او نه هم مخې ته. خپل دود يې له هرې خوا سترگې ور پټې کړې وي. زموږ په کورونو کې چې کله هم د ښځې نوم اخيستل کيږي په کور کې مېلمه او يا بل څوک يې بايد وا نه وري؛ ځکه چې موږ ته شرم ښکاري؛ خو چې نارينه ډاکټر ته په نوبت کې ناست وي د خپلې خور، لور او ښځې نوم که يې لس، شل کسه واورې پروا ورته نه کوي، د دومره ستونزو او مشکلاتو ترڅنگ بيا هم خپله لور، خور يا مېرمنه تعليم ته نه پرېږدي. په خپل مخکيني او کاذب فکر باندې

د الله جل جلاله خلقت او زموږ فکرونه هيڅ کله د پرتلې وړ سره نه دي او نه به هم شي؛ ځکه چې موږ د الله جل جلاله بنده گان يو، د الله جل جلاله او بنده ترمنځ ورته والی به کله هم ونه شي؛ نو بيا ولې دومره واړه او خام فکر ولرو چې زموږ ترمنځ هم موږ په شک کې واچوي او هغه کړی تصور مو خام شي. ښځه او نارينه دواړه الله جل جلاله پيدا کړي دي او ترمنځ يې ټول کارونه او ورکړی استعداد په عدل سره وېشلی دی؛ نو موږ يې ولې استعداد وځپو، هغه که نارينه دی او که ښځه، پرېږدئ چې خپلې موخې او هدف ته ورسېږي، خپلې نيمگړتياوې په خپله پوره او د زړه غوټه په خپله وسپري.

ارواپوهان وايي: کله چې يو څوک خپل استعداد، دروني خيالات، هوس او آرمان په خپل فکر څرگند نه کړي، له يو عادي کار څخه نيولې بيا تر يو غټ کار پورې که نور څه يې په وس نه وي، په خپله ځان وژنه کوي دا هسې خبرې نه دي؛ بلکه په دې برخه کې څېړنې او تحقيقات شوي او دا





لرلو سره سره کار وکړ، خپله ټولنه له ستونزو را وباسي او د سباوون رڼا ته يې کېږوي. ښځې لياقت لري چې معلمه، ډاکټره، څارنواله، ژورناليسته، جنرال، وزيره... شي د هغو فکر، استعداد ته بايد وړه په وړه ورسره ودرېږو؛ ترڅو په هره برخه کې ځانونه د نورو سره سيال کړي.

کله هم په دې غرور ونه کړو چې يوازې نارينه کار کولای شي او هر څه د هغه دي؛ بلکې ښځو هم په هر وخت هره برخه کې قرباني ورکړې که نارينه مري، زخمي او يا بله ستونزه پرې راځي ښځې ته دويمه ضربه رسېږي. زموږ په جنگ خپلي هيواد کې سره د دې ټولو ستونزو او مشکلاتو بيا هم ښځې کار کوي همدا يې وړتيا ده چې په هر ډگر کې ځان څرگندوي، د دې ټولو سره که موږ ورته د مرستې پرځای ستونزې جوړو زموږ خپل مشکل دی او نه هم بايد وشي. ښځه د دې ټولنې بنسټ دی، که بنسټ هر څومره قوي شي د ټولو گټه ده، ښځې د ټولنې نيمايي برخه ده، په ټولنه کې ارزښت يې له نارينو سره برابر او مساوي دی. که يوه ښځه په يوه کورنۍ کې تعليم وکړي ټوله کورنۍ ورسره تعليم يافته کيږي، د خپلو اولادونو ښه روزنه کولای شي، ښځه لومړنۍ ښوونکې ده؛ ځکه تر نارينه ډېره په کور کې وي، د پلار په نشتون کې هغه د کور ډېره ده، د نارينه سلاکاره، د مينې او عاطفې جوهر ده. لنډه دا چې ښځه د نارينه روح دی، څنگه چې انسان له روح پرته ژوند نشي کولای؛ همداسې له ښځې پرته د نارينه ژوند نيمگړی او له رنځ او کړاو ډک دی.

ځان غلطوي؛ خو له هغه سره سره به خپل ضمير ته ملامت وي؛ اما د زوی تعليم او زده کړې لپاره ښوونځي ته لېږل ورته شرم نه ښکارېږي؛ ځکه نارينه دی؛ خو د لور تگ ورته بې حيايي وي. موږ چې ځانونه تر ټولو پاک مسلمانان بولو؛ خو د اسلام د گوتو په شمار اصول مو لا نه دي عملي کړي، نورې برخې خويي څه کوي دا يې ورته هيڅ مخې ته نه درېږي، چې د اسلام لمړۍ شهیده مو سمیه، لمړۍ مسلماننه ښځه مو د ټولو مؤمنانو مور حضرت خديجه رضي الله تعالى عنهما او د حديثو روايت کوونکې عالمه د پيغمبر صل الله عليه وسلم مېرمن حضرت عايشه رضي الله تعالى عنهما د ټولې نړۍ مسلمانانو لپاره يوه نمونه وه، کله هم حضرت محمد صل الله عليه وسلم د هغو په نومونو ونه شرمېده؛ خو موږ شرمېږو ځانونه تر ټولو قوي مسلمانان گڼو. زموږ د هيواد په دې سختو حالاتو کې بيا هم ښځې تعليم کوي، مدرسي ته ځي، پوهنتون نه فارغېږي؛ خو بيا هم موږ ورته ستونزې جوړو، زغملۍ يې نه شو؛ خو بيا هم هغه له موږ (نارينو) سره په هره برخه کې مرسته هم کوي.

تېرو دوولسيزو کې ښځو په هره برخه کې ښې لاسته راوړنې لرلې دي چې ټول يې د خپلو زحمتونو مرهون دي، موږ ټول بايد ورته پام وکړو له دې مخکې هم ښځو د ژوند په سختو شرايطو کې کار کړی هرې ستونزې ته لکه غر درېدلې دي؛ خو په کاذبو وعدو، فکرونو او بې پردیي بايد کله هم وياړ ونه کړ بلکې د خپلو اسلامي او ملي شعارو په نظر کې

په افغاني ټولنه کې بنځه د بدو رواجونو ښکار

محمد حامد امیری

دود او ولسي قانون ښه يې خپله کړې وي. کله چې د ښځې شتون په ټولنه کې د يو انسان په ډول منو؛ نو بيا څنگه ځان ته د دې اجازه ورکوو، چې د يو انسان په صفت له هغې څخه حقه حقوق واخلو او يا ورته تاوان پېښ کړو. دا حقوق نه يوازې په ښځو پورې اړوند دي؛ بلکې ډېری يې څه داسې دي، چې د نارينو او ښځينو دواړو پورې اړوندېږي. اوس پوښتنه داده چې ولې په افغاني او بالخصوص په پښتني سېمو کې د ښځو ډيری حقوق چې اسلام ورکړي تر پښو لاندې کېږي؟ آيا موږ په ټوله معنا د اسلام منلو ته قايل يو؟ آيا موږ په ټوله معنا اسلام له خپلو دودونو او رواجونو غوره بللی؟ که په ټوله معنا اسلام منو او له خپلو ټولنيزو رواجونو څخه ارزښت ورکوو؛ نو بيا ولې ښځې په ټولنيز ژوند کې له ځينو حقونو څخه بې برخې کوو؟ د افغاني ټولنې اوسني حالت ته په کتو زه په يقين سره ويلی شم، چې موږ نيم اسلام منلی او نيم نه.

په افغاني او بالخصوص په پښتني ټولنه کې ښځه هغه کمزوری قشر دی، چې ډېری وخت د نارينو لخوا وهل، وېرول، ځورول، شکنجه او حتا ژوند يې اخیستل کېږي. کله ورته د مکارې، بې حيا، بې شرمې، بې ناموسې، لوچکې او بې پدرې خطاب هم کېږي. په اکثره لرو پرتو سېمو کې ښه ښځه هغه ده، چې د ظلم په مقابل کې خپل غږ پورته نه کړي، خپل حق ونه غواړي، د ميراث نوم وانخلي، ډېر نارينه بچيان راوړي، د ماشوم د پېداېښت او ناروغۍ پر وخت ډاکټر ته لاړه نه شي (د مرض په مقابل کې کلکه وي که مړه کېږي هم)، د يو حيوان په څېر د ډېر بار د وړلو زغمونکې وي، ښايسته وي، د تاوتریخوالي زغمونکې وي، تعليم يې نه وي کړی، د کور د يو عادی ماشوم په مقابل کې هم عکس العمل ونه ښيي، د ډوډۍ په پخولو کې تکره وي (غټې غټې ډوډۍ پخې کړي)، مخ يې بايد تل پټ وي، لوی لوی وېښتان ولري (کوڅۍ)، په کور کې بايد د تلوېزون، موبائل او راډيو نوم وانخلي غوښتل يې پرېږده، ښه تربگنت پاله وي، د خاوند، خواښې، خسر او د خپلوانو له حقونو بې خبره وي،





اسلام د علم په زده کولو ټینگار کوي، وایي علم حاصل کړئ حتا که په چین کې هم وي. بل ځای په اسلام کې په څرګنده ډول ویل شوي، آیا عالم او بې علمه یو شان دي؟ ځواب ورکوي؛ هیڅکله نه. کله چې اسلام د علم په زده کولو ټینگار کوي او بې علمه د عالم سره برابر نه بولي؛ نو بیا ولې زموږ مسلمانان میندې او پلرونه خپلو نجونو ته د تعلیم حق نه ورکوو؟ آیا دلته د اسلام په پرتله رواج ته ارزښت نه ورکوي؟ د ولسي مبارزې مخکښې خیرې باچا خان سل کاله پخوا دا خبره کړې:

زما خیال ورځ په ورځ د جینکو تعلیم او تربیې طرف ته زیاتېږي؛ ولې چې زه دا خبره د قوم لپاره خطرناکه ګڼم، چې هلکان دې تعلیم وکړي او جینکۍ دې د علم نه محرومې پاتې شي، نتیجه به دا وي، چې زموږ هلکان؛ خو به اول جاهلانو ښځو سره ودونه نه کوي او که چیرې یې هم وکړي؛ نو اکثر به یې کور سمون نه خوري او همیشه به په کې کش مکش وي، چې د دې نه زموږ ملک او قوم ته د یو لوی نقصان د رسیدو اندېښنه ده.

هرې نجلۍ او هلک ته په اسلام کې د دواړو په خوښه د واده حق ورکړل شوی؛ ولې زموږ په مسلماننه ټولنه کې له دواړو دا حق اخیستل کیږي؟ دلته بیا هم رسم او رواج ته په اسلام ارزښت ورکول کیږي. باچا خان وایي: زموږ په قوم کې دا یوه ډېره د نقص خبره ده، چې هغوی جینکۍ په وړوکوالي کې ورکوي.

د ماشوم په اساسي روزنه او تربیه ونه پوهیږي، خپلو ماشومانو ته ښې کنځاوې ور زده کړي، د ماشوم د صحت او پاکوالي له غم څخه بې غمه وي، له خاوند، خسر او یا خواښې څخه د جامو غوښتنه ونه کړي (ټول عمر په یوه جوړه کالیو کې تېر کړي)، له مرګ او واده نه بغیر د خپل پلار کور ته لاړه نه شي، د ژوند په مانا نه وي پوه، چې ژوند یعنې څه؟، په زیات ولور واده شوې وي (پلار یې د لور په سر زیاتې پیسې اخیستې وي)، د ټولنې او دنیا له ټولو پرمختګونو، ننگونو او بدلونونو څخه بې خبره وي.

پوښتنه داده، چې دا عمل د ښځو په وړاندې ولې تر سره کیږي؟ آیا ښځه انسان نه دی؟ آیا ټولې ښځې بدې دي؟ آیا په ټولنیز ژوند کې ټولې خطاوې ښځې تر سره کوي؟ آیا تاوتریخوالي یوازې د ښځو لپاره پیدا شوی او کارول کیږي؟ آیا ښځې د با عزته ژوند کولو حق نه لري؟ آیا ښځې هېلې، آرمانونه او موخې نه لري؟ که دا ټولې پوښتنې مثبتې وي؛ نو بیا ولې اکثریت خلک د ښځو پر وړاندې له تاوتریخوالي څخه کار اخلي. دلته زما مقصد له تاوتریخوالي څخه له ښځو د ټولو اسلامي، ټولنیزو او نړیوالو حقونو اخیستل دي، کوم چې دوی ته د اسلام سره سره انسانیت ورکړي.

کله چې له تاوتریخوالي څخه یادونه کیږي، د ډېری لوستونکو په ذهن کې له تاوتریخوالي څخه مقصد وهل، وژل، وېرول، ګواښل او شکنجه راځي؛ ولې وېرول، وژل، وهل، ګواښل او شکنجه کول د تاوتریخوالي ډولونه دي، له دې پرته تاوتریخوالی نور ډولونه هم لري، چې ډېری وخت په ټولنه کې تاوتریخوالي نه بلل کیږي؛ ځکه چې د یو ټولنیز رواج،

نتایج یک تحقیق؛

۸۹ درصد «معلولان» از طرز فکر جامعه رنج می‌برند

◆ وحیده اچکزی

خانواده و ۱۷ درصد نیز گفته‌اند که در سطح جامعه مورد سرزنش قرار گرفته‌اند.

او در ادامه افزود: ۵۷ درصد اشتراک‌کننده‌گان گفتند که رفتار ترحم‌آمیز و افسوس خوردن از جانب مردم، بالای روحیه‌شان تأثیر منفی گذاشته است. همچنان ۴۰ درصد دیگر اشتراک‌کننده‌گان گفته‌اند که نسبت به نگاه‌های ترحم‌آمیز و افسوس خوردن مردم، بی‌تفاوت‌اند و تأثیری بالای‌شان ندارد.

بانو عظیمی در مورد خشونت‌های فیزیکی در سطح خانواده و جامعه گفت: ۱۱ درصد اشتراک‌کننده‌گان گفته‌اند که در کوچه، بازار و سرک‌ها مورد خشونت‌های فیزیکی قرار گرفته‌اند. همچنان ۳ درصد دیگر گفته‌اند که در خانواده‌های‌شان مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند.

بخشی از یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که ۴۴٫۶ درصد اشتراک‌کننده‌گان این تحقیق دارای تحصیلات لیسانس، ۲۱

به اساس آمار سازمان صحتی جهان ۱۵ درصد جمعیت جهان را افراد دارای معلولیت تشکیل می‌دهند. همچنان گزارشی که بنیاد آسیا در سال ۲۰۱۹ نشر کرد، ۱۳٫۹ درصد جمعیت افغانستان افراد دارای معلولیت می‌باشند.

اشخاص دارای معلولیت در افغانستان با مشکلات فراوانی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از این میان، مهم‌ترین مشکلات را زنان دارای معلولیت تجربه می‌کنند. مشکلاتی که سبب می‌شود زنان دارای معلولیت آسیب روحی و روانی ببینند، رفتارهای نادرست اجتماعی و انجام انواع خشونت از جمله فیزیکی، زبانی و خشونت جنسی در برابر آنان است.

مؤسسه‌ی افغان‌های متأثر از ماین (آلسو) به تاریخ سوم ماه جدی سال جاری خورشیدی، در یک کنفرانس خبری، یافته‌های یک تحقیق را ارایه کرد که نشان می‌دهد زنان دارای معلولیت در افغانستان با انواع مختلف مشکلات اجتماعی، خانوادگی، رفتاری، آموزشی و شغلی دست و پنجه نرم می‌کنند.

در این تحقیق با ۴۷ زن و دختر دارای معلولیت و بالای سن ۱۵ سال در ولایت‌های کابل، بلخ، بامیان و پروان مصاحبه انجام و در باره‌ی خشونت‌های فیزیکی، زبانی، روانی و منزوی بودن زنان دارای معلولیت از آنان پرسیده شده است.

آمنه عظیمی معاون مؤسسه‌ی آلسو که یافته‌های این تحقیق را ارایه می‌کرد، گفت: «۷۶ درصد از اشتراک‌کننده‌گان پاسخ دادند که آن‌ها بدرفتاری را که شامل مسخره کردن و آزار دادن (به خاطر معلول بودن‌شان) است، در سطح خانواده و جامعه تجربه کرده‌اند.»

او اضافه کرد: ۸۹ درصد زنان و دختران دارای معلولیت گفته‌اند که مردم نگاه ترحم‌آمیز به آنان دارند. بعضی اوقات در بازار، خانواده و مراسم، مردم بیشتر به آنان خیره می‌شوند که برای افراد دارای معلولیت آزاردهنده است.

خانم عظیمی در باره‌ی سرزنش در سطح خانواده و جامعه گفت: سرزنش (بار دوش خواندن، ناتوان تلقی کردن و تنبل خطاب کردن) نیز از جمله موارد خشونت علیه دختران و زنان دارای معلولیت است. ۳۲ درصد اشتراک‌کننده‌گان گفتند که در سطح



به کنفرانس مطبوعاتی نشر گزارش خشونت و بدرفتاری علیه خانم های دارای معلولیت در افغانستان خوش آمدید!

Welcome to the Press Conference on Violence against Women with Disabilities in Afghanistan

23 December 2019
Kabul



به اساس این تحقیق، ۵۱ درصد شرکت کننده گان گفته اند که رفتارهای منفی مردم بالای روحیه و روان شان تأثیر زیاد دارد؛ ۴۰ درصد گفته اند که تأثیر کمتر دارد و ۹ درصد دیگر گفته اند که هیچ گونه تأثیری ندارد.

نجمه حاجی داد از دختران دارای معلولیت گفته: از دوران کودکی معلول بودم، هیچ وقت احساس معلول بودن نمی کردم اما زمانی که بزرگ شدم اطرافیان ما برخوردشان طوری بود که نشان می داد ما معلول هستیم و ما را نادیده می گرفتند.

نجمه از رفتار نادرست و کلمات تحقیرآمیز اطرافیانش اذیت می شود: گرچند ما می دانیم که معلول هستیم، ولی ناتوان نیستیم، می توانیم مثل بقیه کار کنیم و درس بخوانیم، وقتی به من «لنگ» خطاب می شود بسیار اذیت می شوم، از این کلمه متنفرم.

مشتری دانش سارنوال تحقیق مبارزه با خشونت علیه زنان می گوید: در جریان تحصیل مورد خشونت زبانی و محیطی قرار گرفتم، تمسخر و تحقیر می شدم، اما در مقابل شان مبارزه کردم و هیچ دل خوری را به دل راه نمی دادم.

او که بیشتر از خشونت های زبانی اذیت می شود گفت: من بیشتر از خشونت های زبان اذیت می شوم و بسیار رنج از این می برم که بعضی اوقات ما با این عصا راه می رویم، اکثر مردم با نگاه های دلسوزانه من را اذیت می کنند، می گویند چقدر سخت است برای این خانم که به مشکل راه می رود.

شفیقه مظفری عضو کنفرانس خشونت علیه زنان است، او که خودش نیز یک خانم دارای معلولیت است، خطاب به افراد دارای معلولیت گفت: من برای افرادی که معلول استند دست یا پا ندارند، می گویم که هرگز به خاطر حرف های مردم یا این که معلول هستند گوشه گیری و شکست را قبول نکنند و با رفتارهای ناپسند مقابله کنند و به راه خود ادامه دهند.

این مؤسسه از دولت افغانستان خواست که در راستای مصوونیت زنان و دختران دارای معلولیت که با خشونت های گوناگون چون؛ آزارهای جنسی، نگاه های منفی و رفتارهای نادرست در سطح خانواده و جامعه روبرو استند اقدامات لازم و جدی را روی دست گیرد.

درصد چهارده پاس، ۱۷ درصد فارغ صنف دوازده، ۶ درصد دارای تعلیمات ابتدایی و ۱۲ درصد آنان بی سواد بوده اند.

خانم عظیمی در باره ی مشکلات شغلی دختران و زنان دارای معلولیت گفت که در این ارزیابی ۴۲ درصد اشتراک کننده گان گفته اند که بی کار استند، ۷،۳ درصد در کارهای شخصی مشغولند، ۱۰،۸ درصد مشغول خیاطی می باشند، ۱۲،۷ درصد در ادارات دولتی و غیردولتی مشغول کارند، ۱۰،۶ درصد به عنوان آموزگار کار می کنند و ۱۹ درصد شرکت کننده گان گفته اند که دانش آموز و دانشجو می باشند.

او در باره ی مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده از سوی زنان دارای معلولیت گفت: از مجموع ۴۷ شرکت کننده، ۱۳ درصد آنان متأهل و ازدواج کرده اند و ۸۷ درصد دیگر مجرد می باشند. این در حالی است که سن ۷۶،۵ درصد شرکت کننده گان این ارزیابی بین ۲۰ الی ۳۵ سال بوده است.



د اسلام له نظره د ښځو اقتصادي گډون

احمد شاه استانکزی



پولسان

افغانستان اکثريت خلک اوس هم پخوانيو سنتونو کې ژوند کوي او په بېلابېلو برخو کې يې د ښځو د گډون په اړه نظر هغه دی چې له ممبر او مساجدو څخه يې روحانين بيانوي. همدا بيان يې د ټولنې سنتي او کلتوري عناصر گرځېدلي، چې په ټولنه کې يې د مسلمانې مېرمنې پر وړاندې بېلابېل نظرونه رامنځته کړي چې بلآخره مسلمان مېرمن د همدې تعريف پر بنه ټولنې ته وړاندې کيږي. په اسلام کې بېلابېل روايتونه شتون لري چې ټول خلک يې کار کولو ته هڅولي چې پورتنې روايتونو کې د ښځو او نارينه وو ترمنځ زيات توپير نه ترسترگو کيږي. اصولاً بيکارۍ په اسلام کې يو زشت عمل گڼل کيږي چې له دې سره بيکارۍ د ټولو مسلمانانو لپاره ناوړه عمل دی نه يوازې د نارينه وو، بلکې د ښځو لپاره هم د قبول وړ نه دی.

د ښځو اقتصادي گډون په بېلابېلو نړيوالو کنوانسيونونو کې له پېژندل شويو حقونو او فردي آزاديو څخه گڼل کيږي، چې له همدې امله د بېلابېلو هيوادونو او سازمانونو ملاتړ له ځان سره لري. د افغانستان دولت نړيوالو کنوانسيونونو ته ژمن دی، چې له همدې امله اقتصادي چارو کې د ښځو د گډون ملاتړ کوي. د طالبانو له حکومت وروسته د افغانستان جمهوري دولت په بېلابېلو برخو کې د ښځو د گډون ټينگار لري؛ مگر له دې کوښښونو سره بيا هم افغان مېرمنې نه دي توانېدلي چې دپام وړ پرمختگ ترلاسه کړي. په ياده برخه کې د ښځو کم رنگه گډون او ناکامي په څه کې ده؟ او ولې يې له رامنځته شويو فرستونو څخه گټه پورته نه کړه؟ افغانستان د نړۍ دريمه درجه هيوادونو څخه گڼل کيږي، چې د تعليم او کلتور له نظره مناسب ځای نه لري. د

کرمڼ رينهارت د نړۍ يو له نامتو اقتصاد پوهانو څخه ده چې اوسمهال د نړيوال بانک د اقتصادي گروپ رئيسې په توگه دنده تر سره کوي، کريستين لاگارد يوه بله اقتصاد پوهه ده چې اوسمهال د اروپا مرکزي بانک مشري پرغاړه لري او له دې وړاندې يې د پيسو نړيوال صندوق او د فرانسې اقتصاد وزارت مشري پرغاړه درلوده، همدارنگه د نړۍ کړکيچن اقتصادي وضعيت پر مهال يې د نړۍ تر ټولو مهم مالي سازمان مديريت کاوه او کريستيا لینا جبور جیوا د پيسو نړيوال صندوق مديره ده چې له دې وړاندې د نړيوال بانک اجرايوې مشره او د نړيوال بانک لنډمهاله مشرتوب هم ترسره کړی ده. که چېرې اسلامي ټولنو کې د ښځو پر اقتصادي فعاليتونو کتنه وکړو؛ نو جوتېرې چې يادو ټولنو کې لا هم د ښځو فعاليتونه کوچنيو برخو کې محدود دي او لا تراوسه هم په لويو اقتصادي پرېکړو کې ونډه نه لري.

په افغانستان کې د مېرمنو د پياوړتيا لپاره د لويو پروژو شتون سره بيا هم افغان مېرمنې نه دي توانېدلي چې ياد فرست څخه ښه گټه پورته کړي. مېرمنې بايد د هيواد په سياسي او اقتصادي چارو کې فعاله ونډه ولري؛ ترڅو وکولای شي د ټولنې په پرمختگ کې مرسته وکړي.

په اقتصادي چارو کې د ښځو گډون د اسلام له پيل څخه موجود دی لکه څرنگه چې د رسول الله صل الله عليه وسلم لومړۍ مېرمن حضرت خديجة الكبرى رضي الله تعالى عنهما په تجارتي فعاليتونو بوخته وه. همدارنگه د رسول الله صل الله عليه وسلم لور حضرت فاطمة رضي الله تعالى عنهما هم له کور څخه بهر فعاليت کاوه او له هغو اوه دانو ښونو څخه چې ورسپارل شوي وو ساتنه کوله. له دې ټولو سره حضرت عائشه رضي الله تعالى عنها هم په سياسي او جنگي پرېکړو کې ونډه درلوده؛ مگر په اسلامي هيوادنو په ځانگړي توگه د افغانستان په سنتي ټولنه کې ښځې په اقتصادي چارو کې د پام وړ گډون نه لري، کورني او ټولنيز محدوديتونه د دې لامل شوي، چې ښځې په اقتصادي چارو کې له گډون څخه محرومې کړي او دا محروميت کېدای شي د ښځو په فعاليتونو باندې منفي اغېز هم ولري.

د غير اسلامي او موډرنو ټولنو اقتصادي، سياسي او نورو فعاليتونو کې ښځې مهم او ارزښتناک رول لوبوي، همدارنگه په نړيوالو بازارونو کې د ارزښتناکو توکو په نرخ ټاکلو کې هم ونډه لري، له دې جملې څخه کولای شو کرمڼ رينهارت، کريستين لاگارد او کريستيا لینا جبور جیوا ته اشاره وکړو.



برنامه‌ی آموزش راننده‌گی برای زنان در جوزجان

این برنامه‌ی آموزش راننده‌گی در شهر شبرغان از سوی نهادهای مدنی با همکاری مدیریت ترافیک ولایت جوزجان در حالی راه‌اندازی شده است که شماری از زنان و دختران با موثرهای شخصی‌شان کارهای روزمره و نیازمندی‌های خانه را برطرف می‌سازند.

فریحه فرهمند، یکی از اشتراک‌کننده‌گان برنامه‌ی آموزش قوانین ترافیک و جاده می‌گوید که آموزش زبان ترافیک برای همه‌ی راننده‌گان زن مهم است. او تأکید می‌کند که تجربه و آموزش دو رکن اساسی در راننده‌گی است. خواهر بزرگ فریحه نیز راننده است. او تشریح می‌کند که در خانواده‌ی‌شان در نبود راننده‌ی مرد، آنان به نیازمندی‌های خانواده‌گی رسیده‌گی می‌کنند.

خانم فریحه می‌افزاید که تا چند روز پیش درباره‌ی قوانین جاده چیز زیادی نمی‌دانست، اما اکنون با شرکت در این برنامه با زبان ترافیکی بیش‌تر آشنا شده است.

خانم فریحه نیز از آزار و اذیت مردان در هنگام راننده‌گی شکایت دارد. می‌گوید: «راننده‌گان مرد با سبقت جستن و گرفتن زاویه به سمت راننده‌گان زن مشکل خلق می‌کنند.» او به این باورست که در نهایت مردان باید راننده‌گی زنان را به عنوان یک واقعیت اجتماعی بپذیرند.

این بانوان پس از پایان برنامه‌ی آموزش قوانین ترافیک و جاده از سوی مدیریت ترافیک ولایت جوزجان جواز راننده‌گی به دست خواهند آورد.

سه سال پیش نیز حدود ۲۲ تن از زنان و دختران در جوزجان از سوی مرکز آموزشی لینکلن راننده‌گی را آموختند. در حال حاضر شمار راننده‌گان زن در شهر شبرغان رو به افزایش است.

مرکز آموزشی «ابرهام لینکلن» در همکاری با مدیریت ترافیک ولایت جوزجان برنامه‌ی آموزش قوانین ترافیک و جاده را برای ۲۷ تن از زنان و دختران در شهر شبرغان راه‌اندازی کرد. اشتراک‌کننده‌گان زن در این برنامه‌ی آموزشی برای پانزده روز قوانین ترافیک جاده را آموزش خواهند دید.

برگزارکننده‌گان گفته‌اند که این برنامه‌ی کوتاه‌مدت برای آن‌عه از بانوانی است که قبلاً راننده‌گی را به گونه‌ی غیر حرفه‌یی یاد گرفته و اکنون در این شهر راننده‌گی می‌کنند.

عبدالبشیر فیضی، آمر بخش تعلیم و تربیه‌ی مدیریت ترافیک ولایت جوزجان گفته که با افزایش شمار راننده‌گان زن در شهر شبرغان، علاقه‌مندی زنان به یادگیری زبان ترافیکی و قوانین جاده نیز بیشتر شده است.

آقای فیضی می‌افزاید، زنانی که در این برنامه شرکت کرده‌اند، هرچند راننده‌گی را بلد هستند، اما بنابر دلایلی با قوانین ترافیک و جاده آشنایی چندانی ندارند.

این در حالی است که راننده‌گان زن همواره از آزار و اذیت مردان هنگام راننده‌گی شکایت دارند. ملالی مبارز، از برگزارکننده‌گان این برنامه‌ی آموزشی که خودش نیز موتر دارد به این باورست که زنان نیز همانند مردان نسبت به نیازمندی‌های مدنی‌شان حق راننده‌گی را دارند. او مدعی است که در بیشتر اوقات مردان در هنگام راننده‌گی برای زنان به گونه‌های مختلف از جمله سروصداهای بی‌جا (پرزه‌پرانی) مزاحمت می‌کنند. خانم ملالی علاوه می‌کند که هنوز راننده‌گی زنان در فرهنگ مردسالارانه‌ی افغانستان حل نشده است. ملالی مبارز خاطرنشان می‌سازد که راننده‌گی برای زنان حس آزادی می‌دهد.



مبارزه به هدف محو خشونت در جامعه، مسوولیت هر شهروند است

◆ سید محمدامین صمدی

زنان باز شود تا به دنبال راه حلی برای رفع این خشونت‌ها باشند. قانون منع خشونت علیه زن به هدف مبارزه‌ی جدی با پدیده خشونت با زنان، در سال ۱۳۸۸ در چهار فصل و ۴۴ ماده ترتیب و در جریده رسمی شماره ۹۸۹ منتشر شده است.

خشونت در برابر زنان، بر اثر عدم اجرای قوانین، فرهنگ پایین، جهل، بی‌سوادی، امراض مذهبی و... است. عام‌ترین خشونت‌ها در برابر زنان افغانستان عبارتند از: تجاوز جنسی، اجبار به فحشا، جراحات و معلولیت، نکاح اجباری، نکاح قبل از بلوغ، دشنام و تحقیر،



لت‌وکوب و مجبور نمودن به اعتیاد. قانون‌گذار برای حمایت از زنان قوانین سخت و قاطعی بر ضد این‌گونه اعمال، تصویب و با افرادی که چنین اعمالی را انجام می‌دهند، برخورد قانونی می‌کند.

برای این که یک جامعه به فضای امن برای زنان تبدیل شود، باید زمینه‌ی آرامش و آسایش آنان فراهم شود. این هدف نیازمند اطلاع‌رسانی وسیع توسط رسانه‌های جمعی، نوشتاری، فعالان حقوق زنان و فعالان مدنی نیز می‌باشد.

در گزارش درج شده در سایت «شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر» بر مبنای تعریف جامع زیر از خشونت علیه زنان، تهیه گردیده است: «هر عملی که اضرار فیزیکی، جنسی و روانی را برای زنان به بار آورد و یا تهدیدی در این زمینه تلقی گردد، به شمول تهدید و اقدام به محرومیت از آزادی در حوزه‌ی زندگی خصوصی و اجتماعی، خشونت علیه زنان نامیده می‌شود.»

خشونت علیه زنان در دو مورد شایع است، اول: خشونت خانوادگی. دوم: خشونت در محیط کار.

شایان ذکر است تبعیض علیه زنان در خانواده‌هایی که بر مبنای باورهای غلط زندگی می‌کنند، تأثیرات مخربی در تعادل روحی در زندگی روزمره‌ی آن‌ها خواهد داشت.

صیانت و کرامت زنان اهمیت بالایی دارد. می‌بایست تلاش‌های فراوانی صورت بگیرد تا آن‌ها بتوانند امنیت و آرامش را به‌طور حقیقی در جامعه احساس کنند و با آرامش خاطر در جهت پیشرفت جامعه گام بردارند. مطمئناً این تأثیر به‌سزایی در راستای اهداف ملی داشته و جامعه را به‌سوی سعادت و کمال هدایت می‌کند.

در جهانی زنده‌گی می‌کنیم که افزون بر خصلت‌ها و رفتارهای نیک که مبنای یک ارتباط خوب و ارزشمند برای انسان‌ها است، شاهد رفتارهای ناهنجار و خارج از عرف اخلاق مانند خشونت هم هستیم که از نادانی سرچشمه گرفته است.

در علم روانشناسی، خشم یک پدیده‌ی کاملاً طبیعی شناخته شده، اما مرحله غیر طبیعی آن که انتخاب آگاهانه خود شخص است، «عصبانیت» نام دارد. عصبانیت منجر به آسیب‌های روحی و جسمی شده و خشونت را نمایان می‌سازد.

امروزه اکثر افراد جامعه، خصوصاً زنان، به‌نوعی با پدیده‌ی خشونت در زندگی روزانه خود مواجه هستند. خشونتی که مبدأ آن، باورها و فرهنگ‌های نامعقولی است که باعث تباهی جامعه می‌شود.

زنان همواره، مظهر عذوفت، ظرافت و تضمین‌کننده آرامش و امنیت در کانون خانواده هستند، اما مورد خشونت‌های بی‌دلیل و هتک حرمت مردان قرار می‌گیرند. حرمتی که خداوند (ج)، در قرآن کریم از آن یاد کرده و مقام زن را به اندازه‌ی والا نهاده که جایگاه بهشت را نیز از گذرگاه رضایت یک زن (مادر) معین کرده است.

زن منشا سلامت روانی یک خانواده تلقی می‌شود. او با تربیت فرزندان صالح و شایسته، سعادت یک جامعه را تضمین می‌کنند. اما چطور ممکن است زنی که مورد خشونت‌های فراوان قرار می‌گیرد و دچار اختلالات روحی بسیار جدی می‌شود، فرزندان صالحی تربیت کند؟

آمارهای موجود نشان می‌دهد بیشترین صدمات روحی و جسمی به زنان از سوی شوهران‌شان بوده که تا پای مرگ آن‌ها را مورد لت‌وکوب قرار داده‌اند. این آمارها باعث شده چشم فعالان حقوق

فوزیه کوفی جایزه‌ی «تنوع و توسعه‌ی پایدار» بنیاد خانه‌ی آسیا را از آن خود کرد

* ننگیالی اچکزی

دریافت جایزه‌ی صلح نوبل ۲۰۲۰ نیز نامزد شده بود. فوزیه کوفی که پس از سرنگونی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی مصروف فعالیت‌های سیاسی و حقوق بشری بود در دو دور گذشته پارلمان نیز نماینده‌ی مردم بدخشان در پارلمان بود. او کارشناسی ارشد نخستش را در بخش مدیریت تجارت از دانشگاه پرستن اسلام‌آباد پاکستان به دست آورده است و به زبان‌های دری، پشتو، انگلیسی و اردو تسلط دارد.

فوزیه کوفی در طول دو دهه گذشته از زنان شناخته شده در عرصه‌های سیاسی افغانستان است که معاونت مجلس نمایندگان را نیز در کارنامه‌ی خود دارد.

فوزیه کوفی کتابی زیر عنوان «نامه‌هایی به دخترانم» در مورد زنده‌گی دوره‌ی کودکی تا دوران روی آوردن به دنیای سیاست نوشته که این کتاب در ماه فبروری سال ۲۰۱۱ میلادی به زبان‌های دنمارکی و انگلیسی در شهر پاریس فرانسه به چاپ رسید.

در این کتاب، خانم فوزیه کوفی تلاش کرده زندگی دختری را که سعی دارد به دانش و سیاست در یک جامعه‌ی مردسالار و خانواده‌ی مذهبی روی بیاورد، به تصویر بکشد. او داستان زندگی خود را از ایام جوانی تا رسیدن به شهرت سیاسی به تحریر گرفته است.

این‌که چرا عنوان کتاب خود را «نامه‌هایی برای دخترانم» گذاشته است، حکایت از وصیت‌نامه‌هایی می‌کند که هر باری

بنیاد اسپانیایی «خانه‌ی آسیا» اعلام کرده است که فوزیه کوفی، عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی صلح دولت افغانستان، جایزه‌ی سال ۲۰۲۱ میلادی این بنیاد زیر نام «تنوع و توسعه‌ی پایدار» را از آن خود کرده است.

این بنیاد به تاریخ دوم جدی سال جاری خورشیدی اعلام کرده است که خانم کوفی به فعالیت‌های گسترده در بخش حقوق بشر مستحق این جایزه شناخته شد.

در اعلامیه‌ای این نهاد همچنان آمده است که فوزیه کوفی در بخش‌های آموزش زنان و دختران، دادخواهی برای حقوق زنان و تلاش برای تأمین صلح در افغانستان مستحق این جایزه شناخته شده است.

بر اساس اعلامیه‌ی خانه‌ی آسیا، خانم کوفی در کنار انتشارات «ساتوری» جاپان و دانشگاه «سنت توماس» فلیپین از میان ۵۲ نامزد جایزه‌ی سال ۲۰۲۱ میلادی این بنیاد، برنده‌ی این جایزه شناخته شده است.

اهدای جایزه‌ی سالانه‌ی بنیاد اسپانیایی «خانه‌ی آسیا» در سال ۲۰۰۴ راه‌اندازی شد. این جایزه سالانه به افراد پیش‌تاز در بخش ایجاد کسب و کار، تولید علم و دادخواهی برای تأمین صلح و حقوق بشر تعلق می‌گیرد.

خانم کوفی در سال ۱۳۵۴ خورشیدی در ولایت بدخشان متولد شده است، او پیش از گرفتن این جایزه از آن‌چه تلاش‌های گسترده برای تأمین صلح در افغانستان عنوان می‌شد، برای





اعضای این کمیته از کشورهای امریکا، امریکای لاتین، افریقا، آسیای جنوبی و اروپا می‌باشند و بیشتر روی مسایل نقض حقوق بشر و مشکلاتی که سیاستمداران در کشورهای مختلف متقبل می‌شوند، تمرکز دارد.

کمیته‌ی حقوق بشر اتحادیه‌ی جهانی بین‌المللمانی، یک کمیته‌ی قدرت‌مند و با صلاحیت است و می‌تواند به کشورهای که در آن نقض حقوق بشری رخ داده باشد، هیأت روان کند و یا هم نمایندگان آن کشور را برای پاسخ‌گویی دعوت کند. انتخابات این کمیته سال یک‌بار برگزار می‌شود و هر عضوی این کمیته می‌تواند به عنوان رییس آن کاندیدا کند.

فوزیه کوفی به خبرنگار گفته: «تصور این که کسی از افغانستان بتواند فعال حقوق بشری شود و در سطح بین‌المللی و در سطح کشور خودشان فعالیت‌های حقوق بشری کند، برای بسیاری از کشورها سخت است.»

با این وجود فوزیه کوفی پس از گذر چالشی از درون یک خانوادگی سنتی افغانستان، حالا فعال حقوق زن و نماینده‌ی مجلس نمایندگان افغانستان است. گسترش حضور زنان در جامعه، ایجاد برابری جنسیتی و تحمیل این موضوع به زنان افغان که می‌توانند در مقام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، حضور برابر و گاه پیش‌روانه در برابر مردان جامعه داشته باشند، از دغدغه و هدف‌های بزرگ او است.

او دوران جدید افغانستان را برای همه‌ی مردم و به‌ویژه زنان مغتنم می‌داند. در عین حال می‌ترسد روزی دوباره از خواب بیدار شود و ببیند جامعه‌ی افغانستان توسط دیدگاه طالبانی اداره می‌شود و دنیا را تنها از دریچه‌ی چادرش ببیند. برای جلوگیری از این پدیده، از نظر او، جامعه‌ی افغانستان با چالش‌های بزرگ و گسترده‌ای مواجه است.

که کوفی به روستاهای افغانستان سفر می‌کند، برای دختران خود می‌نویسد و گمان می‌کند که دوباره زنده بر نمی‌گردد. به همین دلیل در این نامه‌ها به دختران خود توصیه کرده که چگونه در زنده‌گی به اهداف خویش برسند.

کوفی می‌نگارد، با مردی ازدواج کرده که او را در دنیای تخیل، محبوب خود دانسته بود، اما آن محبوب کوفی، چند سال پس از ازدواج، از سوی طالبان زندانی گردیده و از پشت میله‌های زندان، برای سفر ابدی از خانمش خداحافظی می‌کند.

مدافع حقوق زن:

فوزیه کوفی که از چندین سوی قصد طالبان جان سالم به در برده، مصمم است که عنوان قهرمان حقوق زن در افغانستان را به خود اختصاص دهد. او یکی از چهره‌های فعال حقوق زنان افغانستان به‌شمار می‌رود و نقش فعالی در تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان بازی کرده است.

خانم کوفی در سال ۱۳۹۵ خورشیدی به‌عنوان رییس کمیته‌ی حقوق بشر اتحادیه‌ی جهانی بین‌المللمانی انتخاب شد. او در انتخاباتی که میان اعضای این کمیته در شهر ژنو سویس صورت گرفت، توانست با گرفتن ۳ رأی بیشتر از رقیب آلمانی‌اش، به مقام ریاست این کمیته دست یابد.

در حال حاضر خانم کوفی رهبر حزب سیاسی «موج تحول» و عضو هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان در مذاکرات صلح با گروه طالبان است.

خانم کوفی در سال ۱۳۹۵ خورشیدی به‌عنوان رییس کمیته‌ی حقوق بشر اتحادیه‌ی جهانی بین‌المللمانی انتخاب شد.

کوفی در گفت‌وگویی با خبرنگار تأکید کرده بود که سال قبل به نمایندگی از کشورهای آسیای جنوبی عضویت این کمیته را کسب کرد و توانست با نامزدی به عنوان رییس این کمیته، برای یک سال ریاست آن را بر عهده گیرد.



فصل سرما و کودکان خیابانی

◇ سجیه حسینی

بیشتر کودکان خیابانی در افغانستان از رفتن به مکتب و درس و تعلیم محروم و آینده شان نیز ناروشن است. کودکان خیابانی که نان آور خانواده های خود هستند، برای پیدا کردن لقمه نانی دست به انجام کارهای سخت و بالاتر از توان شان می زنند. آنان که اکثراً از شش تا ۱۵ سال سن دارند، از دست فروشی در سرک ها گرفته تا به جمع آوری زباله ها مشغول اند.

هرچند آمار مشخص از کودکان خیابانی در شهر کابل در دست نیست، اما کمیسیون حقوق بشر افغانستان می گوید که بیش از سه میلیون کودک در افغانستان مصروف کارهای شاق در بخش های مختلف مانند: موترشویی، قالین بافی، کار در معادن ذغال سنگ و نمک و همچنان در داش های خشت پزی هستند.

نجیب الله خدران، هماهنگ کننده ی بخش کودکان حقوق بشر افغانستان می گوید: «کودکان کارگر با انواع خشونت های جنسی، فیزیکی، لفظی و روانی مواجه هستند. از همه مهمتر از درس و تعلیم به دور می مانند. زیرا این ها به جز کار کردن

فرا رسیدن فصل زمستان برای هرکسی برنامه های متفاوت را به همراه دارد؛ مثلاً برای یک اسکی باز متفاوت از برنامه ی یک نوجوان روستایی است که با وزیدن باد زمستانی و بارش نخستین برف به فکر برنامه ریزی شکار پرنده گان می افتد. اما در این میان ورزش باد زمستانی برای کودکان خرد سال که در جاده های شهر کابل مصروف کارهای شاق هستند، پیام خوش آیند نیست.

با فرا رسیدن زمستان افزون بر این که کودکان خیابانی کارهای شان را از دست می دهند، سردی هوا نیز برای آن ها که لباس گرم و درست ندارند آزاردهنده و طاقت فرسا است. خبرنگار مجله ی پولیس زن که با برخی از این کودکان در جاده های شهر کابل مصاحبه کرده، گفته اند کارهای را که در تابستان انجام می دهند، با سرد شدن هوا انجام داده نمی توانند. به همین خاطر مجبور هستند دست به «تکدی گری» بزنند.

بیشتر کودکانی که در جاده های کابل مصروف کارهای شاق و تکدی گری هستند، نان آور خانواده های خود می باشند.



دیگر انتخابی ندارند.»

نجیب الله اخلاقی، رییس شبکه‌ی محافظت اطفال می‌گوید: «این بار که با بودجه‌ی وزارت کار و امور اجتماعی به اطفال کارگر کمک نقدی صورت گرفت اما ما برای پوشش بیشتر این قشر آسیب پذیر، با اداره‌ی یونیسیف نیز گفت‌وگو کردیم تا اطفال آسیب‌پذیر و کارگر روی جاده‌ها در هشت ولایت دیگر نیز به کمک مالی یونیسیف کمک نقدی شوند.»

حکومت تعدادی از این کودکان را جمع‌آوری نموده و زمینه‌ی تحصیل و مکان برای بود و باش شان را فراهم ساخته است؛ اما تعداد این کودکان به مراتب بالاتر از آن است که یتیم خانه‌های دولت کفایت نماید. از این رو به‌خاطر رسیده‌گی به نیازهای کودکان بی‌بضاعت موسسه‌های شخصی نیز آغاز به فعالیت نموده اند که امکانات مانند درس خواندن، هنر، صنایع دستی و مکان‌های مناسب را برای رشد این قشر ناتوان کشور فراهم می‌نمایند.

آشیانه موسسه غیر انتفاعی است که در سال ۱۳۷۴ خورشیدی در شهر کابل آغاز به فعالیت نموده و هزاران کودک را که فامیل‌های شان زیر خط فقر قرار دارند و توانایی شامل ساختن کودکان‌شان را به مکتب ندارند. این موسسه برای تامین یک آینده‌ی پر محصول و مثبت آنان مساعدت می‌کند.

حشمت الله حیات، مسوول برنامه‌های موسسه‌ی آشیانه می‌گوید: «موسسه آشیانه به مدت ۲۵ سال در افغانستان فعالیت دارد و هدف از کودکان و خانواده‌های بی‌بضاعت، جنگ زده، کارگر و متخلف می‌باشد. که در حال حاضر ۱۱۰۰ الی ۱۲۰۰ طفل در سنین مختلف که بالاتر از ۸

صمیم پسر ۱۳ ساله که ناامنی‌ها سبب شده از ولایت سرپل به کابل آواره شود، می‌گوید: «تا صنف پنجم درس خواندم، اما به دلیل جنگ و ناامنی نتوانستم به مکتب بروم، حال اینجا کراچی دارم. پیاز، کچالو و ترکاری می‌فروشم. روزانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ افغانی کار می‌کنم و درخانه می‌برم.»

ظاهر غزنوی، روان‌شناس در مورد وضعیت روحی کودکان کارگر می‌گوید: «کودکان افزون بر آموزش و تفریح نیاز به محافظت دارند، اما آن‌ها در خیابان‌ها مورد هر نوع اذیت و آزار قرار می‌گیرند. همچنان کار کردن در فضاهای نامناسب سبب می‌شود که بر کودکان از لحاظ روحی و عاطفی تاثیر منفی کند و کودکان در برابر جامعه و مردم حس نفرت و انزجار را پیدا کنند.»

حنیفه دختر ۹ ساله‌ی است که از صبح تا غروب آفتاب در جاده‌های کابل در این فصل سرد به گدایی می‌پردازد او که در این هوای سرد با لباس نیمه زمستانی‌اش مصروف پیدا کردن چند افغانی است می‌گوید، دوست دارد مانند دیگر کودکان به مکتب برود اما به دلیل فقر نمی‌تواند این آرزوی خود را برآورده سازد.

وزارت کار و امور اجتماعی می‌گوید که یک میلیون افغانی را برای ۲۰۰ تن از کودکان کارگر روی جاده‌ها کمک نقدی نمودند.

بیشتر کودکانی که در جاده‌های کابل مصروف کارهای شاق و یاهم تگدی‌گری هستند، از خانواده‌های مهاجران داخلی هستند که به دلیل افزایش ناامنی‌ها در ولایات مجبور شده اند به کابل مهاجر شوند.



سال هستند در این موسسه وجود دارد.»

مجتبی پسر ۱۲ ساله‌ای که ۳ ماه شده در موسسه‌ی آشیانه درس می‌خواند، می‌گوید: «پدرم معیوب است. روزانه بوتل جمع می‌کنم گاهی ۶۰ افغانی کار می‌کنم گاهی هیچ کار نمی‌توانم. من در موسسه‌ی آشیانه مضمون دری، ریاضی، دنیات و قرانکریم را می‌خوانم. ساعت ۱ بجه تا ۴ بجه اینجه درس می‌خوانم. اینجا برای ما کتابچه، قلم، کتاب و جمپر میته.»

آقای حیات در بخش کودکان کارگر که در حال حاضر در موسسه‌ی آشیانه هستند می‌گوید: «ما کودکان کارگر را از روی سرک‌ها جمع‌آوری می‌کنیم. به مدت یک‌سال از این کودکان حمایت می‌کنیم تا آماده به مکتب رفتن شوند و در آخر سال امتحان گرفته می‌شود و به صنف‌های مختلف مطابق تفاهمنامه با وزارت معارف فرستاده می‌شوند.»

بصیره دختر ۸ ساله که ۲ ماه شده در موسسه آشیانه درس خواندن را یاد می‌گیرد می‌گوید: «از روی سرک کاغد و بوتل جمع می‌کردم که روزانه ۳۰ یا ۴۰ افغانی از این کار به دست می‌آوردم. اما حال در موسسه آشیانه دری، ریاضی، دنیات و قرانکریم را می‌خوانم و خوش استم که یک‌سال بعد می‌توانم مکتب بروم.»

آقای حشمت الله می‌گوید: «در موسسه آشیانه نصاب معارف درس داده نمی‌شود، اما مضامین مشابه به مضامین مکتب تدریس می‌شود.

او می‌گوید، مضمون‌های دری، ریاضی، دنیات، قرآن کریم و کمپیوتر و همچنان بخش‌های هنر مثل رسامی، میناتوری، صنایع دستی، خیاطی و بخش ورزش از جمله جودو و فوتبال را در دو بخش دختران و پسران آموزش می‌دهیم.»

نرگس دختر دیگری است که در بخش میناتوری در موسسه آشیانه کار می‌کند و صنف ۱۰ مکتب است می‌گوید: «من در خانه لیف بافی می‌کنم که هر کدامش را ۱۵ تا ۲۰ افغانی می‌فروشم. دوسال میشه که در بخش میناتوری در موسسه آشیانه کار می‌کنم.»

مریم دختر ۱۵ ساله‌ای که در بخش صنایع دستی موسسه آشیانه کار می‌کند و صنف ۷ مکتب است می‌گوید: «من ساعت ۱۲ ونیم تا ۴ بجه اینجه میایم. دو ماه شده از آمدنم و زیاد دوخت‌ها را یاد گرفتم. خوش استم که تانستم اینجه بیایم و یک هنر را یاد بگیرم تا در آینده بتانم برای خودم کار کنم.»

مسوول موسسه آشیانه اضافه نمود: «کمک‌های ما وابسته به دونه‌های خارجی است. حالا با فرا رسیدن فصل زمستان بیشتر بوت و جمپر و مواد غذایی به کودکان کمک می‌کنیم.» پرینا دختر ۱۱ ساله‌ای است که درجاده شهید محمد موسی شفیق بوت رنگ می‌کند، می‌گوید: «صنف دو مکتب استم صبح‌ها مکتب می‌روم، نیمه روز ۱۵۰ گاهی ۱۰۰ افغانی کار می‌کنم.»

عبدالفتاح احمدزی، سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی می‌گوید: «در حدود ۳ ونیم میلیون کودک زیر خط فقر هستند که این کودکان با چالش‌ها و مشکلات زیادی مواجه هستند. ما همیشه تلاش کردیم که برای کودکان بی‌سرپرست رسیده‌گی به موقع نمایم.»

آقای احمدزی افزود: «در کنار یتیم‌خانه‌های دولتی، یتیم‌خانه‌های غیر دولتی نیز داریم که در بخش درس و تعلیم کودکان یتیم فعالیت دارند.»



کمیته‌های دادخواه در حل مشکلات و نزدیک ساختن ارتباط حکومت با مردم نقش موثر دارند

خواست‌های ما در پیش نهادهای دولتی نتیجه نمی‌داد، ولی خوش‌بختانه از وقتی که کمیته‌ی دادخواهی را ایجاد کردیم در تفاهم با مردم و فعالیت هدفمند مشکلات ما حل شده است.» سامعه ناطق، عضو دیگر یکی از کمیته‌های دادخواهی در بدخشان می‌گوید، آنان با درک این که دولت و مردم به تنهایی نمی‌توانند کاری را به پیش ببرند، تصمیم گرفته‌اند تا از طریق انسجام و هماهنگی مردم و به کارگیری روش‌های نوین دادخواهی برای تحقق حقوق‌شان بر تصمیم‌ها و اجراء حکومت محلی بدخشان نفوذ کنند.

به گفته‌ی این بانو، شهروندان از طریق نهادهای مدنی همه‌ی روش‌های دادخواهی را فرا می‌گیرند و به ساده‌گی می‌توانند مشکلات را اولویت‌بندی کنند و با حکومت در میان بگذارند. خانم ناطق می‌افزاید که اعضای کمیته‌ی دادخواهی متعهد به ادامه‌ی کار این کمیته هستند و برای دسترسی مردم به عدالت و تأمین حقوق‌شان دادخواهی می‌کنند.

با این حال، سیف‌الدین ساییس، رییس مجتمع نهادهای مدنی بدخشان می‌گوید که نقش کمیته‌های دادخواهی و فعالیت‌های دادخواهانه با روش‌های مدنی و دموکراتیک در بسیج مردم برای تأمین حقوق و عدالت از مهمترین اهداف نهادهای مدنی می‌باشد و آنان تلاش دارند تا پای این فعالیت‌ها را به همه‌ی ولسوالی‌های بدخشان بکشانند و روند دادخواهی را در همه‌ی سطوح مطابق به ارزش‌های مدنی و دموکراتیک عیار بسازند.

این فعال مدنی می‌افزاید که به هر پیمانه‌یی که روی نهادسازی تمرکز بیشتر شود و فعالیت‌های دادخواهانه در مسیر درست آن سمت و سو داده شود، به همان پیمانه روند حکومت‌داری تقویت می‌شود و فاصله میان حکومت و مردم کمتر خواهد شد.

فعالان مدنی و باشندگان بدخشان می‌گویند که از چند سال به این سو در پی فعالیت نهادهای مدنی، در شماری از ولسوالی‌های بدخشان کمیته‌های دادخواهی ایجاد شده‌اند که در دادخواهی از حقوق مردم و تأمین عدالت کارساز بوده‌اند. به گفته‌ی مسوولان نهادهای مدنی، آنان تلاش دارند که دامنه‌ی فعالیت این کمیته‌ها را به همه‌ی ولسوالی‌های بدخشان توسعه دهند و پای مردم را به روند تصمیم‌گیری و توسعه‌ی محلی بکشانند و به با حلقه‌ی ارتباط میان حکومت و مردم را محکم‌تر بسازند.

طی سال‌های پسین شماری از نهادهای مدنی با آموزش روش‌های نوین دادخواهی برای مردم جهت دادخواهی از حقوق‌شان و برقراری ارتباط نزدیک مردم با حکومت تلاش کرده‌اند تا از یک‌طرف برای تأمین عدالت در برنامه‌های اجرایی حکومت مردم را بسیج بسازند و از سوی دیگر حلقه‌ی ارتباط میان مردم و حکومت را مستحکم‌تر سازند.

شماری از نهادهای مدنی در بدخشان افزون بر آگاهی‌دهی به مردم در زمینه‌های حکومت‌داری، حاکمیت قانون، انتخابات و حقوق بشر با آموزش روش‌های نوین دادخواهی و ایجاد کمیته‌های دادخواهی، مردم را به گونه‌ی مستقیم در روند توسعه دخیل، سهیم و شریک ساخته‌اند.

توسعه‌ی نامتوازن، بی‌اثر بودن برنامه‌های توسعه‌یی و وجود مشکلات گسترده با وجود مساعدت نهادهای کمک‌کننده، دخیل و سهیم نبودن مردم در تصمیم‌گیری‌ها و نیازسنجی‌ها از عوامل اساسی به شمار می‌روند که منجر به ایجاد فاصله میان دولت و مردم شده است. اما ایجاد کمیته‌های دادخواهی برای شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات مردم سبب شده است تا آنان به گونه‌ی مستقیم با حکومت در ارتباط باشند و از این طریق به حقوق اولیه‌ی خود دست یابند.

اعضای گروه دادخواهی متشکل از کمیته‌هایی است که در ولسوالی‌ها ایجاد شده و هر ازگاهی در شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان گردهم می‌آیند تا برای برطرف‌سازی مشکلات‌شان دادخواهی کنند و مشکلات‌شان را از نزدیک با مسوولان حکومتی در میان بگذارند. کمیته‌های دادخواهی به دلیل این که روش‌های نوین دادخواهی را فرا گرفته‌اند با تهیه‌ی پلان دادخواهی و اولویت‌بندی مشکلات مردم زمینه را برای تطبیق پروژه‌ها از سوی حکومت و نهادهای کمک‌کننده آسان می‌سازند. عبدالقیوم، عضو یکی از کمیته‌های دادخواهی در بدخشان می‌گوید، آنان تا پیش از ایجاد کمیته‌ی دادخواهی در زمینه‌ی رفع مشکلات محلی‌شان با دشواری‌های زیادی روبه‌رو بودند، اما اکنون از طریق این کمیته می‌توانند با در میان گذاشتن مشکلات‌شان با حکومت محلی، حکومت را وادار به پاسخ‌گویی کنند. عبدالقیوم می‌افزاید: «پیش از ایجاد کمیته‌های دادخواهی با مشکلات زیادی روبه‌رو بودیم و به صورت انفرادی مطرح کردن

افغان مېرمنې د هنر په برخه کې



خیريال: سجه حسینی
ژباړه: محمد صابر ژمن

بهرني پانگوال د وېرې له کبله مالي ملاتړ نه شي کولای او حکومت هم مالي امکانات نه لري؛ نو ښکاره خبره ده چې د افغانستان سینما پرمختګ نه کوي.

روپا سادات د مېرمنو د ستونزو په اړه داسې وايي: یو له مهمو ستونزو څخه د ښځینه پرسونل نه شتون دی. لکه موږ یوه ښځینه انځورګره نه لرو، زه د یوې فلم جوړونکې په توګه کله چې اخیستل شوي انځور ته کتنه کوم چې د نارینه انځورګر سره زما اندام معمولي ونښلي؛ نو دا هغه وخت وي، چې هغه وارخطا شي او زه هم خپل تمرکز له لاسه ورکوم. **محبوبه هاشمي** یوه ځوانه فلم جوړونکې مېرمن ده، چې په ۱۹۹۴ میلادي کال په ایران کې پیدا شوې او د ابن سینا پوهنتون له ژورنالېزم پوهنځۍ څخه فارغه شوې ده. هغې له کوچنیوالي څخه فلم جوړونې سره مینه درلوده. مېرمن هاشمي چې په ایران کې د فلم جوړونې کار د ځان لپاره ستونزمن باله؛ ځکه نو افغانستان ته راغله او په فلم جوړونې یې کار پیل کړ.

په افغانستان کې د طالبانو د واکمنۍ پرمهال د تلویزیون لېدل دود نه وو؛ مګر په اوسني وخت کې د ټولو ستونزو جګړې او ناامني له شتون سره بیا هم افغان مېرمنو د نارینه وو ترڅنګ فلم جوړونې ته مخه کړې ده، که څه هم په دې برخه کې ښځو زیاته قرباني ورکړې لکه د ځوانو انجونو وژل او تحقیرېدل، چې د دې ټولو ستونزو باوجود یې خپلو کارونو ته ادامه ورکړې.

یو له دې نامتو او بريالي سینماګرانو څخه **روپا سادات** ده، چې دې (... سی نقطه) فلم جوړونې سره یې فلم جوړونې ته مخه کړه. (نامه ی به رئیس جمهور) د مېرمن سادات بل نامتو فلم دی، چې د آسکار په ۹۰ یم دور لمانځغونډه (جشن واره) کې یې د افغانستان سینما استازولي وکړه. مېرمن سادات وايي: د افغانستان سینما اوسنی وضعیت هیله ښوونکې ده؛ ځکه چې فلم جوړونکي په دې برخه کې د لېوالتیا ترڅنګ زیات زحمت گالي؛ مګر هغه څه چې اړین دي مالي ملاتړ ده. د فلم جوړولو لپاره پیسو ته اړتیا ده؛ مګر

په افغانستان کې فلم جوړونه په شخصي لگښتونو مخته روانه ده، د حکومت یا شخصي شرکتونو ملاتړ له ځان سره نه لري. ښاغلی موسوي په دې هکله داسې وایي: زموږ په هیواد کې سینمایي بیمه شتون نه لري؛ له همدې امله داخلي او بهرني پانگوال له پانگونې ډډه کوي او له بلې خوا بدبختانه د افغانستان سینما د حکومت ملاتړ هم نه لري. په سینما کې د نارینو په نسبت د ښځو ستونزې ډېرې وې، دا چې افغانستان د سنتي ټولنې درلودونکې ده؛ نو په فلم جوړونه کې د ښځو پر ګډون منفي نظر لري. دا کار د اسلام خلاف عمل بولي؛ له همدې امله ښځې نشي کولای د پام وړ عاید لاسته راوړي. حسن موسوي وایي: د افغان مېرمنو ستونزه داده چې د شخصي شرکتونو او حکومت ملاتړ نه لري او بله ستونزه د سینما لپاره د ښه مارکیټ نه شتون دی. نورو هیوادونو کې فلمونه پر سینماګانو پلورل کیږي؛ مګر په افغانستان کې برعکس فلم جوړونکي سینما ته د فلم خپرولو لپاره پیسې ورکوي.

اوسمهال ښځې د سینما په برخه کې د پام وړ لاسته راوړنې لري، په افغانستان کې زیاتې ښځینه فلم جوړونکې حضور لري، فلمونه یې د نړۍ په معتبرو فیستیوالونو کې موندل کیږي، چې د هیواد سینما ته یې زیات ویاړونه راوړي دي؛ مګر نه یوازې د حکومت له لوري نه ملاتړ کیږي؛ بلکې لاتراوسه یې د کارونو ستاینه هم د حکومت له خوا نه ده شوې.

مېرمن هاشمي چې خپل کار د پوهنتون له شپږم سمستر څخه پیل کړی داسې وایي: ما یو فلم جوړ کړی چې دې (معجزې) په نامه دی او د مراکش فیستوال ته یې هم لار موندلې وه. ددې ترڅنګ ځینې مستندونه مې هم جوړ کړي لکه (نارنجي) چې د ښځو پر وړاندې د تاوتریخوالي په اړه ده، بل د هوا ککړتیا په هکله مستند دی او داسې نور ډېر تجارتي سوداګري اعلانات مې هم جوړ کړي دي. په افغانستان کې سینما د شلمې میلادي پېړۍ په لومړیو کلونو کې رامنځته شوې ده، چې په هغه وخت کې د ځینو سیاسي مشرانو له مخالفت سره مخ شوې وه. سره له ډېرو ستونزو د افغانستان سینما د ۲۰۰۲ میلادي کال د طالبانو له واکمنۍ وروسته پرمختګ پیل کړ. اوسمهال په ټول افغانستان کې شپاړلس سینماګانې شتون لري چې یوولس یې یوازې په کابل کې دي.

حسن موسوي فلم جوړونکې او د افغانستان له خوا په آسکار کې د فلم ټاکنو کمېټې غړې د ښځو د ګډون په اړه داسې وایي: دقیقاً نشم ویلای چې اوسمهال د افغانستان په سینما کې څومره مېرمنې فعالیت کوي؛ ځکه دقیق شمېر یې نه لرو؛ مګر په دې باوري یم چې یې شمېر کم دی؛ ځکه چې ډېرو ستونزو سره مخ دي، په ځانګړي توګه د ټولنې له لوري دا یو مناسب کسب نه دی. له دې ټولو ستونزو سره افغان مېرمنو په دې وروستیو کلونو کې د هیواد په داخل او بهر کې وکولای شول چې ښې وڅلېږي.



هموطن

هموطن قصهء ماو توهمین است که هست
 موج این دجله‌ی آشفته چنین است که هست
 همچو امواج اگر میشکنیم قامت هم!
 لابد، این قامت مافرش زمین است که هست
 من و تو ما نشویم، هردو که یک جا نشویم
 درد ما به نشود، بلکه چنین است که هست
 نه تنوعی به خون و، نه به دین و نه خدا!
 پس میان من و تو بهره چه کین است که هست
 کشورم همچو انار و من و تو دانه‌ای آن
 خون ما هردو به یک رنگ چنین است که هست
 یک نگاهی به اناری بنما عبرت گیر!
 دانه ها دوست به هم خویش و قرین است که هست
 تا که من ما نشوم! نیز تو هم باشی تو!
 به خدا دشمن ماو تو همین است که هست!
 آسیا پیکر زیباست قبولش دارم
 آسیا را وطنم نورجبین است که هست
 یا اگر قاره آسیاست چو انگشتر در؟!
 باز بنگر وطنم همچو نگین است که هست
 سنگ و خاک وطنم بوی زر ناب دهد!
 نه من و تو دیگران در پی این است که هست
 انتها آه وطن جمله گی را خواهد سوخت!
 بس که این مادر غمدیده حزین است که هست
 به من از هتلر و افلاطون واز نیچه مگو
 آنچه می گویی بین داخل دین است که است
 هرکجا پیرو جوانی سخن از عشق زنند!
 لیکن آن عشق که گویند نه این است که هست
 زاهد و متقی و مولوی و هم ملا
 ظاهر و باطن شان دور ز دین است که هست
 اسفا می نگرم اکثر روشن فکran
 آیده و مفکوره اش دشمن دین است که هست
 چه بگویم من از آن عابد سجاده نشین
 که دلش سوی بتان سربه زمین است که هست
 گاهی در اوج غم و درد به خود می گویم
 که چرا تاچه زمان کارچنین است که هست؟!
 چاره ناجسته ویک عمر زخود می نالیم
 تا نجنبیم زجا کارچنین است که هست
 بس که پالیسی بیگانه ز تدبیر ز ماست
 هرکجا عجز و حقارت به جبین است که هست
 لحظه ای فکر و تامل به تماشا بنشین
 بنگر آنچه که گفتیم چنین است که هست

غزل

خان به په مرگ حسابوې دلته چې شپې تېروې
 د زهرو گوټ به تېروې دلته چې شپې تېروې
 غوړ به دې کوڼ، سترگې به پټې، خوله به چوپه ساتې
 د دیوسۍ ژوند به کوې دلته چې شپې تېروې
 له ښار نه کلي ته چې خې وصیت به کور کې وکړې
 کفن به خان نه تاووې دلته چې شپې تېروې
 په هره لاره کې دامونه د مرگي خواره دي
 خان ورته څنگه خلاصوې دلته چې شپې تېروې
 نه مدرسه، نه مکاتب، نه مو منبر امن دی
 سکون اوس چېرته لټوې دلته چې شپې تېروې
 د جنازو وړلو نه بل موږ ته څه پاتې نه دي
 زلمیان به یو، یو خښوې دلته چې شپې تېروې
 د بېوسۍ حلقه کې بنده شگيوال پرهېزه!
 بس خپل گربوان به خپروې دلته چې شپې تېروې

پرهېز شگيوال

غزل

زړه مې مات دی، ډېرې سختې مرحلې دي
 زړه مې مات دی، ځکمي ټولې هديرې دي
 زړه مې مات دی، دغه خاوره کربلا ده
 زړه مې مات دی، د حسن حسين نارې دي
 زړه مې مات دی، اعلانونه دي شمار نشته
 زړه مې مات دی، جنازې دي، جنازې دي
 زړه مې مات دی، د دې خلکو مرگ روا دی
 زړه مې مات دی، د بدرنگ ملا فتوې دي
 زړه مې مات دی، ژوند ته دلته هېلې نشته
 زړه مې مات دی، اندېښنې دي، اندېښنې دي
 زړه مې مات دی، صېبه! څنگه غم ونه کړم؟
 زړه مې مات دی، یو وطن گنې جنډې دي
 زړه مې مات دی، یو امېل دانه وانه دی
 زړه مې مات دی، دوږېدلې یې دانې دي



غزل

چې پاتې شي تر ډېره او پوره مو دا ارمان شي
 اختره ستا په نوم دې دا اوربند هر وخت اعلان شي
 گيډۍ د گلابونو به يې هر قدم کې کېږدم
 دا درې ورځې دي زر شي چې نصيب د هر افغان شي
 د سولې لوی کاروانه دا خو ستا د قدم رنگ و
 الله د نکرې چېرې چې کوم لوری پښیمان شي
 ته هم له مرگه سترې او زه هم د ژوند یم تېرې
 نو کاشکې کلیوال او ښاري یو بل نه قربان شي
 د وخت ډېرو پوښتنو ته به زما ځواب پیدا شي
 په څنډو د آسمان چې یو ځل لیک نوم د جانان شي
 کوم چېرې چې باور په چا کول لوی لیونتوب وي
 باور کووم ورځم که مې هر څومره لوی تاوان شي

مینا نظري

کاش چون پاییز بودم
 کاش چون پاییز خاموش و ملال انگیز بودم.
 برگهای آرزوهایم، یکایک زرد می شد،
 آفتاب دیدگانم سرد می شد،
 آسمان سینه ام پر درد می شد
 ناگهان توفان اندوهی به جانم چنگ می زد
 اشک هایم همچو باران دامنم را رنگ می زد.
 وه ... چه زیبا بود، اگر پاییز بودم،
 وحشی و پر شور و رنگ آمیز بودم،
 شاعری در چشم من میخواند ... شعری آسمانی
 در کنارم قلب عاشق شعله می زد،
 در شرار آتش دردی نهانی.
 نغمه ی من ...
 همچو آواری نسیم پر شکسته
 عطر غم می ریخت بر دلهای خسته.
 پیش رویم:
 چهره تلخ زمستان جوانی
 پشت سر:
 آشوب تابستان عشقی ناگهانی
 سینه ام:
 منزلگه اندوه و درد و بد گمانی.
 کاش چون پاییز بودم

فروغ فرخزاد

بخوانم

ای خوشا مستانه سر در پای دلبر داشتن
 دل تهی از خوب و زشت چرخ اخضر داشتن
 نزد شاهین محبت بی پر و بال آمدن
 پیش باز عشق آئین کبوتر داشتن
 سوختن بگداختن چون شمع و بزم افروختن
 تن بیاد روی جانان اندر آذر داشتن
 اشک را چون لعل پروردن بخوناب جگر
 دیده را سوداگر یاقوت احمر داشتن
 هر کجا نور است چون پروانه خود را باختن
 هر کجا نار است خود را چون سمندر داشتن
 آب حیوان یافتن بیرنج در ظلمات دل
 زان همی نوشیدن و یاد سکندر داشتن
 از برای سود، در دریای بی پایان علم
 عقل را مانند غواصان، شناور داشتن
 گوشوار حکمت اندر گوش جان آویختن
 چشم دل را با چراغ جان منور داشتن
 در گلستان هنر چون نخل بودن بارور
 عار از ناچیزی سرو و صنوبر داشتن
 از مس دل ساختن با دست دانش زر ناب
 علم و جان را کیمیا و کیمیاگر داشتن
 همچو مور اندر ره همت همی پا کوفتن
 چون مگس همواره دست شوق بر سر داشتن

«پروین اعتصامی»

حضرت بے با فاطمه الزهراء رضی اللہ تعالیٰ عنہا

حضرت فاطمة رضي الله تعالى عنها د رسول الله صلى الله عليه وسلم كشره لور وه، تر بعثت وړاندې په مكه معظمې كې زېږېدلې ده. په رسول اكرم صلى الله عليه وسلم بې حده گرانه وه، تل به يې ويل چې فاطمة رضي الله تعالى عنها زما د بدن ټوټه ده. الله جل جلاله حضرت فاطمې رضي الله تعالى عنها ته ډېره زياته حياء ورکړې وه. رواياتو كې راځي چې منزل به يې د رسول اكرم صلى الله عليه وسلم په څېر كاوه، ناسته ولاړه خبرې هرڅه يې د جناب رسول الله صلى الله

عليه وسلم ته ورته و، له ډېرې حياء به يې رسول الله صلى الله عليه وسلم ته نشو كتلي. كله چې رسول الله صلى الله عليه وسلم رحلت شو تر حده زياته غمجنه وه او ويل به يې: صبت على المصائب لو انها صبت الى النهار صرن لياليها.

ژباړه: ماته داسې مصائب ورسيد كه ورځ ته ورسېږي؛ نو شپه به ورنه جوړه شي.

د حضرت فاطمې رضي الله تعالى عنها نكاح ډېر د خير او برکت نكاح وه، د دې د نكاح په هكله د حضرت علي كرم الله وجهه او د نورو اصحابو كرام رضي الله تعالى عنهم اجمعين ډېرې په زړه پورې كيسې شته. بهر كيف حضرت علي كرم الله وجهه د نبي كريم صلى الله عليه وسلم د حكم مطابق خپله زغره د خرڅولو لپاره صحابه كرامو رضي الله تعالى عنهم اجمعين ته وړاندې كړه؛ نو حضرت عثمان بن عفان رضي الله تعالى عنه هغه په څلور سوه (۴۰۰) درهمه باندې واخيستله يعنې هغه په حقيقت كې د دومره قيمت نه وه؛ خو هغه په تحفه كې ورکړه. رسول اكرم صلى الله عليه وسلم حضرت عثمان رضي الله تعالى عنه ته دعا وكړه او بيا يې حضرت ابوبكر صديق، حضرت عمر فاروق، حضرت طلحه، حضرت زبير، حضرت عبدالرحمن بن عوف رضي الله تعالى عنهم اجمعين او نور صحابه مهاجرين او انصار يې مسجد ته راوبلل او نكاح يې وټرله. د واده په ورځ رسول الله صلى الله عليه وسلم حضرت فاطمې رضي الله عنها ته يو كټ، يوه بستره، يو خادر، دوه ميچنې او يو مشك وركړل. تر واده وروسته حضرت

علي رضي الله عنه او حضرت فاطمة الزهرا رضي الله عنها له نبوي حرم څخه د باندې په يوه گوښه كور كې اوسيدل. رسول الله صلى الله عليه وسلم به چې كله چيرته په سفر تله؛ نو آخر كې به د دې كور ته تله او فاطمة رضي الله تعالى عنها به يې لېده او كله به چې سفر نه راغی؛ نو لومړی به د دې كور ته راغی او حضرت فاطمة رضي الله عنها به يې لېده. كله چې د رسول الله صلى الله عليه وسلم د تدفين مراسم پيل شول؛ نو



دا بهر ولاړه وه، حضرت فاطمې رضي الله عنها د چارۍ گانو اوازونه اورېدل چې پر رسول الله صل الله عليه وسلم باندې خاورې اوړل کيږي، په دې وخت کې حضرت انس رضي الله عنه راووت او بيلچه يې په اوږه ده، حضرت فاطمې رضي الله تعالى عنها ورته وويل: چې تاته حياء نه درته چې زما په پلار دې خاورې اړولې؟ په دې وخت کې دواړه په ژړا شول. روايت کې راځي چې کله د قيامت ورځ شي؛ نو آواز به وشي چې اې د محشر خلکو مخ بل طرف ته واړوئ چې د رسول الله صلى الله عليه وسلم کشره لور حضرت فاطمة رضي الله تعالى عنها جنت ته داخلېږي.

حضرت فاطمة رضي الله تعالى عنها د جنتي ښځو سرداره ده، هغه قائم اليل او صائم النهار وه يعنې شپه به يې په عبادت او ورځ به يې په روژه نيولو تېروله. حضرت فاطمة رضي الله تعالى عنها په ټول ژوند کې پر خپل ژوند باندې قانع وه، د ډېر ضرورت څخه علاوه يې د کوم څه د لاسته راوړلو لپاره تمنا يا خواهش نه دی کړی، تل به يې دا خبره پر ژبه وه چې الله جل جلا له زما کوم حالت جوړ کړی زه پر هغه باندې راضي يم. نبي کریم صلى الله عليه وسلم د ژوند تر آخره پورې د زهد او قناعت تلقين به ورکاوه.

حضرت سلمان فارسي رضي الله عنه له نبي کریم صلى الله عليه وسلم څخه داسې روايتوي: چې سلمان! که څوک زما له لور فاطمې سره مينه ولري؛ نو په جنت کې به راسره وي او که ورسره کينه ولري؛ نو ځای به يې دوزخ وي، سلمان! انسان ته له فاطمې سره مينه په سلو ځايو کې گټه رسوي: مړينه، قبر، د کړنو په تللو، حشر... او په پل صراط کې به انسان ته اسانتياوې وي. که لور مې فاطمة له چا راضي وي؛ نو زه به ترې راضي يم او له چا چې زه راضي يم؛ نو الله جل جلا له به ترې راضي وي او که چا مې لور غوسه کړه؛ نو زه يې غوسه کړې يم او پر چا چې زه غوسه شم؛ نو الله جل جلا له به پرې غضب وکړي.

د حضرت فاطمې رضي الله تعالى عنها پنځه ماشومان وو: درې زامن حضرت حسن رضي الله عنه، حضرت حسين رضي الله عنه او حضرت محسن رضي الله عنه چې په ماشومتوب کې وفات شوی او دوه لوڼې حضرت زينب رضي الله عنها او حضرت ام کلثوم رضي الله عنها وو.

د جنتي ښځو نوموړې سرداره د نهه ويشتو کلونو په عمر د هجرت په يوولسم کال د روژې په مياشت کې د رسول الله صلى الله عليه وسلم تر وفات شپږ مياشتې وروسته وفات شوه. د حضرت فاطمې رضي الله عنها د وفات خبر رسول الله صلى الله عليه وسلم د خپل وفات په مهال داسې ورکړی وو چې (په ما پسې به ته ژر راشي). حضرت فاطمې رضي الله تعالى عنها په خپل وصيت کې دا وويل چې زما جنازه دې د شپې له خوا تر سره شي د دې لپاره چې د چا نظر زما پر جنازه و نه لگي يعنې دې د زهد، تقوی، شرم او حياء له وجې دغه وصيت کړی وو او د جنازې لمونځ يې حضرت ابو بکر صديق رضي الله تعالى عنه وکړ، د قبر په اړه يې روايات مختلف دي چې چيرته ده؟ انا لله و انا اليه راجعون.



په افغانستان کې د بشري حقونو ارزښت او ستونزې

◆ ژباړه: محمد صابر ژمن



عاید: انسان اشرف المخلوقات دی، د ټولنیزو حقوقو او آزادیو څخه برخمن دی. ځینې له دې حقوقو څخه د یوه انسان د شخصیت پشپړېدو لپاره اړین او ضروري دي، چې پرته د دې حقوقو له ترلاسه څخه د یوه کامل انسان په توګه په ټولنه کې هوسا او سولیز ژوند نشي کولای. هغه حقوق او آزادي چې د یوه انسان ژوند لپاره اړین او مهم دي په حقوقي ادبیاتو کې د اساسي حقوقو او آزادیو یا هم د بشري حقونو په نامه سره یادېږي، چې د تاریخ په اوږدو کې یې د ځمکې پر مخ د بشریت د مشترکو هلو ځلو او قربانیو پر مټ د ظلم او بربریت پر وړاندې بری موندلی؛ مګر د پوهې او تکنالوژي چټک پرمختګ او همدارنګه د ټولنې اقتصاد او کلتور په برخه کې د سترو لاسته راوړنو سره بیا هم بدبختانه د ټولنې زیاته برخه اوس هم؛ نه یوازې دا چې خپلو انساني حقوقو ته لاسرسی نه لري؛ بلکې حقوق او آزادي یې په بېلابېلو لاملونو سره نقض کېږي. یو له دې لاملونو څخه د انساني حقوقو او آزادیو په اړه د اشخاصو ناپوهي ده. په افغانستان کې هم د تېرو څلورو لسیزو راهیسې د واکمنانو یا هم د نورو بېلابېلو وسلوالو او ډلو ټپلو له خوا په مختلفو ډولونو د انساني حقوقو

او آزادیو نقض شوی دی. د افغانستان خلک سره له دې چې له څو لسیزو راهیسې یې د هیواد د خپلواکي لپاره ستره قرباني ورکړې؛ مګر بیا هم نه دي توانیدلي چې د خپلو اساسي حقوقو څخه برخمن شي. د دې سره په هیواد کې د ډېرو خلکو ناپوهي همدارنګه د تعلیم په برخه کې د منظمو امکاناتو نه شتون د دې لامل شوی، چې خلک له خپلو حقوقو څخه محروم پاتې شي.

بشري حقونه د تاریخ په اوږدو کې له زیاتو کړاوونو او ستونزو څخه تېر شوي دي، په دې معنا چې انسانانو د خپل حیاتي او اړینو حقوقو ترلاسه کولو لپاره د نړۍ په هر ګوډ کې د زیاتو تکالیفو سربېره بې شمېره قرباني ورکړې؛ تر څو بشري حقونه اوسني حالت ته ورسېږي. سقراط، بشر طبعي قوانینو او قواعدو ته تابع کاوه او پر دې باور وو چې بشري حقونه باید له طبیعي قانون څخه چې بشر ته یې پشپړه آزادي ورکړې، پیروي وکړي. د هغه په آند دولت باید داسې ځای وي، چې اشخاص وکولای شي خپل افکار هغه کې څرګند کړي، د شخص مقام محفوظ او پرمختګ وکړي، په داسې ډول چې هر شخص د خپل لیاقت



کې يې په رسميت پېژندل اساساً د شلمې ميلادي پيړۍ لومړيو کې په ۱۹۱۹ ميلادي کال د افغانستان د خپلواکۍ ترلاسه کولو وروسته منځته راغلې ده.

لومړني حقوق چې په نظام نامه کې منځته راغلي عبارت دي له: د هيواد ټولو اتباعو ته مساوي تابعيت ورکول (اتمه ماده)، شخصي آزادي (نهمه ماده)، شخصيت ساتنه (لسمه ماده)، غلامۍ له منځه وړل، د اسير او مريي په توگه د اشخاصو د استخدامولو منع کول (لسمه ماده)، د مطبوعاتو آزادي (يوولسمه ماده)، تجارتي، کرنيز او نور شرکتونو تشکيلول (دولسمه ماده)، د ښوونې او روزنې، خصوصي ښوونځيو او مدارسو آزادي (۱۴ او ۱۵ ماده)، د قانون پر وړاندې مساوي حقوق او دندې (۱۶ ماده) او داسې نور...

په ۱۳۵۵ هجري کال کې د بشر اساسي حقوق او آزادي: په دې اساسي قانون کې دموکراتيک او بشري بڼه نسبت تېر قانون ته کمه ده؛ ځکه چې په څلورېنيمه ماده کې د نظام شرط فقط يو حزبي ذکر شوی وو. د ۱۳۶۶ هجري کال اساسي قانون کې چې د ډاکټر نجيب الله د واکمنۍ په وخت کې جوړ شو، د بشري حقونو په قوانينو کې ځينې مواد لکه د ديني مناسکو اجراء کول او د احزابو تشکيلولو آزادي اضافه شوه. د افغانستان نوی اساسي قانون چې په ۱۳۸۲ هجري کال کې جوړ شوی ده د بشري حقونو ټول ارزښتونه په کې نغښتي دي، چې له دې کبله ويلاى شو د افغانستان په تاريخ غوره قانون ده.

په افغانستان کې د بشري حقونو نقض کول: په افغانستان کې بشري حقونه د تېرو څلورو لسيزو راهيسې په پراخه کچه نقض شوی دی، اوسمهال د افغانستان جمهوري دولت ترڅنگ ځينې نړيوال بشري سازمانونه شتون لري چې د بشر ضد کړنو پر وړاندې فعاليت کوي.

او توان په اندازه د خدمت او پرمختگ جوگه وگرځي. افلاطون: افلاطون له ظلم او بربريت څخه د بشر خلاصون يوازې د پوه او باسواده واکمنو په شتون کې گانه. د هغه په آند د يوه فرد او دولت خوشحالي هغه وخت منځته راځي، چې واکمنان يې پوه او خپلواک وي همدارنگه يوه منظمه او پرمختللې اداره هم د همدغو دانا واکمنانو په شتون کې ممکن وي.

د بشري حقونو نړيوال سازمان د اعلاميې ارزښت: د دې اعلاميې ارزښت په نړيوالو او ټول شمولو موخو کې نغښتی دی. په دې معنا چې په دې اعلاميې کې نغښتي ټول حقوق او آزادي د يوه هيواد يا يوې ډلې لپاره نه؛ بلکې د ځمکې پر مخ د هر انسان او ټول بشر لپاره دی. دويم ارزښت يې په اعلاميه کې د مساوي حقوقو او آزاديو ذکر کول دي، له يادو حقوقو څخه د استفادې په وخت کې شخص له هر ډول محدوديت څخه آزاد دی او په اعلاميې کې د نغښتو آزاديو پر وړاندې خنډ منع کړل شوی. د اعلاميې ارزښتناکه موخه د بشري غړو ذاتي حيثيت، د برابري او غير انتقالي حقوقو پېژندل دي. همدارنگه اعلاميه کې د داسې نړۍ څرگندېدل چې هغه کې بشر د خپلې عقيدې بيان لپاره آزاد، له ډار او له غربت څخه فارغ وي هيله ښودلې ده؛ نو ويلاى شو چې اوسمهال په نړۍ کې د يادې اعلاميې ارزښت په داسې حد کې دی، چې د يوه عادي شخص، عالم او ليکوال پر ژبه د يوې سترې مرجع په صفت کارول کيږي. همدارنگه هر دولت د خپل فکر، باور او عمل د قانوني ښکاره کولو لپاره ياده اعلاميه خپل اوليت کې راوړي؛ حتا د دیکتاتورانه او ظالمانه حکومتونه د خپلو اقداماتو قانوني څرگندولو لپاره د بشري حقونو د نړيوال سازمان اعلاميه خپل اصل گرځوي.

په افغانستان کې بشري حقونه: تاريخ ته په کتو افغانستان کې د بشر د اساسي حقونو او آزاديو مفکوره او د هيواد قانون



حسینه صافی:

ښځې په دولت جوړونه کې مهم او ارزښتناک رول لري

څخه مننه وکړه. مېرمن صافی د ښځو چارو وزارت پراختیایي او ملي سولې دویم سند د پشپړېدو لپاره د ښځو د وضعیت څېړلو او همدارنګه د مربوطه ادارو سره یې د اړیکو د پیاوړتیا لپاره د افغان مېرمنو نظریات واورېدل. مېرمن صافی جوړه شوې غونډې په ځانګړې توګه د پراختیایي او ملي سولې دویم سند غونډې ته په اشارې وویل: دا سند په ټول هیواد کې د دریو برخو دولت جوړونې، مارکیټ جوړونې او سوله جوړونې پر تطبیق ولاړ ده، چې یوازې دولت جوړونه یې له شپږو اساسي برخو لکه د قانون حاکمیت، امنیت، حکومتوالي، سرچینې، ډیجیټل جوړونې او الکترونیکي تذکرو څخه جوړه ده، چې د ټولو پېشنه‌ادونو او غوښتنو د بیان او چارو سمبالښت لپاره یې پر تطبیق ټینګار درلود.

د ښځو چارو وزارت چارسنبالې وزیرې حسینه صافی د یاد وزارت له ولایتي مسؤلینو سره په آنلاین غونډه کې ګډون وکړ، همدارنګه د دولت جوړونې په برخه کې یې د ښځو ګډون مؤثر وباله.

دا آنلاین غونډه چې د افغانستان پراختیایي او ملي سولې د دویم سند پشپړېدو په موخه جوړه شوې وه مېرمن صافی د دولت جوړونې په برخه کې د ښځو پر پراخ ګډون ټینګار درلود.

د ښځو چارو وزارت چارسنبالې وزیرې د یوه واحد او قوي وزارت له آدرسه د یاد وزارت د پیاوړتیا او ثبات په موخه د ښځو پر یووالي او همغږۍ باندې ټینګار درلوده، همدارنګه مېرمن صافی د سولې او پراختیا لپاره د جینووا کنفرانس مرستې چې یوه مهمه برخه یې افغان مېرمنو ته ځانګړې شوې مبارکي وویل، د افغانستان جمهوري دولت او نړیوالو نه‌ادونو څخه یې د ښځو د کلک ملاتړ

دختران ورزش کار به حمایت از پولیس ملی ۲۰ کیلومتر فاصله را رکاب زدند

◆ سنجیه حسینی



زهرا رضایی، عضو تیم ملی بایسکل رانی بامیان می‌گوید: «امیدوارم امنیت خوب شود تا بتوانند همچنین مسابقات را در بیرون از شهر برگزار کنند و مشکلات ترافیکی رخ ندهد.» ریحانه محمدی، برنده‌ی مقام سوم از ولایت بامیان می‌گوید: «مدت چهار سال می‌شود که بایسکل رانی می‌کنم و این یک ورزش هیجانی است، من به همین خاطر علاقه پیدا کردم.»

مروه کریمی، که مدت سه سال می‌شود به تیم ملی بایسکل رانی کابل رکاب می‌زند، می‌گوید: «آرزو دارم روی در این رشته قهرمان شوم و برای کشور خود مدال بیارم.» بانوان بایسکل سوار نیز از تشکیل تیم ملی بایسکل رانی بانوان در کشور استقبال کرده و اظهار امیدواری می‌کنند. تا با آمدن صلح در کشور زنان بتوانند در عرصه‌ی بایسکل رانی و دیگر ورزش‌ها فعالیت‌های بیشتر داشته باشند.

پیش از این نیز طیف‌های مختلف جامعه به حمایت از نیروهای امنیتی و دفاعی در مرکز و ولایت‌های کشور برنامه‌های مختلف را راه اندازی کردند. از علمای دینی گرفته تا هنرمندان و ورزشکاران، طی سال‌های گذشته ده‌ها برنامه به حمایت از نیروهای ملی امنیتی و دفاعی (پولیس ملی و اردوی ملی) در کابل و ولایت‌ها برگزار کردند.

جهت اشتراک در یک رقابت بایسکل رانی، ۲۶ خانم که از چهار ولایت افغانستان به کابل آمده بودند؛ به حمایت از نیروهای پولیس ملی، ۲۰ کیلومتر فاصله را رکاب زدند.

این برنامه که زیر نام «جام پولیس» از سوی فدراسیون بایسکل رانی افغانستان در شهر کابل برگزار شده بود، اشتراک کننده‌گان از محوطه‌ی ساختمان کمیته‌ی ملی المپیک، واقع چمن حضوری تا بندقرغه، فاصله‌ای بیشتر از ۲۰ کیلومتر را به حمایت از نیروهای پولیس ملی رکاب زدند. در این رقابت که دخترانم‌های ورزشکار از ولایت‌های؛ کابل، غزنی، فاریاب و بامیان اشتراک کرده بودند، حمایت از نیروهای امنیتی را مسوولیت هر افغان می‌خوانند.

آنان می‌گویند در یک فضای امن می‌تواند همه چیز رشد کند و نیروهای پولیس امنیت را تأمین می‌کنند، بنا براین آنان خدمتگزاران واقعی مردم هستند و مردم نیز در برابر این نیروها مسوولیت دارند و حمایت از آنان تحت هر عنوانی که باشد، وظیفه‌ی هر افغان است.

یولدز هاشمی، عضو تیم ملی بایسکل رانی ولایت فاریاب است که با اشتراک در این رقابت مقام نخست را از آن خود ساخت. زهرا رضایی و ریحانه محمدی دختران بامیانی در این رقابت به ترتیب در جایگاه دوم و سوم ایستادند.

رخشانه،

از نخستین آواز

خوانان زن افغانستان

درگذشت

◇ ننگیالی اچکزی



بود که نقش بزرگی در نهادینه شدن جایگاه زن در موسیقی دارند.»

هارون یوسفی، طنزپرداز و رییس پیشین تلویزیون ملی افغانستان در واکنش به درگذشت خانم رخشانه گفته است که شهرت خانم رخشانه در حدی بود که تقریباً در تمام سفرهای رسمی فرهنگی در آن زمان حضور داشت. رخشانه پس از مهاجرت انزوا اختیار کرد و به کار موسیقی اش ادامه نداد.

رخشانه در پی تحولات سیاسی پیش از دهه ۱۳۶۰، از افغانستان مهاجرت کرد و با خانواده اش در امریکا زنده گی می کرد و از او دو فرزند به جا مانده است.

نخستین آهنگ رخشانه در رادیو کابل آهنگ «ای دل ستانم، آرام جانم، بشنو دمی آه و فغانم» بود.

رخشانه، بعداً آهنگ «چشم سیاه داری قربانت شوم من» را خواند که این آهنگ نه تنها در افغانستان، بلکه در ایران و تاجیکستان نیز معروف شد. پس از او احمد ظاهر نیز این آهنگ را خواند.

این ستاره ی درخشان موسیقی در طول زنده گی هنری خود در افغانستان حدود ۶۰۰ آهنگ ضبط کرد که شمار زیادی در قلب و ذهن علاقه مندان وی ماندگار شدند.

خانم رخشانه که آواز خوانی را در «زینب ننداری»، نخستین

حمیده اصیل معروف به «رخشانه» یکی از نخستین خوانندگان زن در افغانستان به تاریخ (۳۰ قوس) به عمر ۸۰ ساله گی در امریکا درگذشت، اما با ترانه های ماندگار خود در یاد و خاطره ی مردم افغانستان همیشه جاودانه است. خانم رخشانه یکی از محبوب ترین و مشهورترین خواننده های افغانستان در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در کشور بود.

خانم رخشانه متولد کابل، فرزند اصیل خان وزیری، یک جنرال چهار ستاره ی اردوی افغانستان و متعلق به خانواده ای در جنوب افغانستان بود که روی آوردن او به موسیقی در آن روزگار نوعی از تابوشکنی محسوب می شد.

مادر او، خانم «بی بی خدیجه طرزی» یکی از نخستین معلمان مکتب دخترانه کابل بود که هم هارمونی می نواخت و هم با همه راگهای (چهارچوب ملودیک هر قطعه) موسیقی کلاسیک افغانستان آشنایی داشت. ستاره ماندگار موسیقی افغانستان در اغلب مصاحبه های خود گفته است که مادرش نقش مهمی در زنده گی هنری اش داشته است.

احمدولی، خواننده ی پیش کسوت افغانستان در صفحه ی فیسبوک خود، رخشانه را از «پیشگامان» آواز خوانان زن در افغانستان خوانده است. بع تصویر، AHMAD WALI

احمد سرمست، رییس انستیتوت ملی موسیقی افغانستان نیز گفته که «خانم رخشانه یکی از نخستین آوازخوانان زن

مرکز هنری زنان در کابل، شروع کرده بود با تشویق پدرش، به رادیوی ملی این کشور رفت و صفحه‌ی جدیدی از زنده‌گی هنری خود را رقم زد. وی از نخستین بانوان آوازخوان اهل افغانستان بود که با تابوشکنی در آن دوران، در برنامه‌های فرهنگی حضور می‌یافت. استاد خیال، استاد سرمست، استاد ننگیالی، شیر شرار، عزیز آشنا، سلیم کندهاری و چندین آهنگ ساز دیگر از جمله آهنگ سازان برجسته‌ی افغانستان هستند که برای خانم رخشانه آهنگ ساخته‌اند.

ستاره‌ی درخشان موسیقی افغانستان پس از کسب شهرت در این کشور همراه با استاد جلیل زلاند و استاد اول میر به ایران، تاجیکستان و اوزبکستان رفت و آهنگ‌های خود را اجرا کرد.

خانم رخشانه پس از کودتای سال ۱۳۵۲ که به سلطنت ۴۰ ساله‌ی محمد ظاهر شاه، آخرین پادشاه افغانستان پایان بخشید، به دلیل اختلاف با رحیم نبیل، وزیر فرهنگ وقت کم‌کم از آوازخوانی فاصله گرفت. این بانوی هنرمند پس از کوتادی ۷ ثور ۱۳۵۷ موسیقی را کنار گذاشت.

شهبانوی موسیقی افغانستان در رابطه با این که چگونه پا به عرصه‌ی موسیقی گذاشت به یکی از رسانه‌های این کشور چنین پاسخ داده بود: سوال جالبی است، «من نیز از آغاز کودکی عاشق بودم. من فکر می‌کنم موسیقی زاده عشق است و انسان باید در زنده‌گی عاشق چیزی باشد، تا ذهن و مغزش پیوسته در اطراف آن دور بزند و او را به خود مشغول دارد و او فکر کند، احساساتی شود و بالاخره زمزمه‌ی همان عشق را سردهد، و آن موسیقی شود. حضرت مولانای بزرگ می‌گوید که هیچ زبانی توان تعریف عشق را ندارد، مگر نوای موسیقی.»

تأمین امنیت هلمندیان و رعایت مسایل حقوق بشری از اولویتهای نیروهای پولیس هلمند است

حوزه‌های امنیتی پولیس، مرکز تربیوی، مرکز اصلاح و تربیت اطفال بازدید و نظارت نمودند.

در این سفر همچنان با والی، اعضای شورای ولایتی، ریاست امور زنان و برخی دیگر از مقام‌های محلی این ولایت دیدار و در رابطه به همکاری آن‌ها با پولیس انائیه گفتگو کردند.

هیئت ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله در دیدار با والی هلمند در مورد ساخت خانه امن در آن ولایت گفتگو کردند و همچنان ریاست امور زنان وعده سپرد که این اداره با پولیس انائیه همکاری نزدیک خواهد نمود.

هیئت ریاست حقوق بشر وزارت امور داخله در کنترل از محبس انائیه که مکان امن وهم جوار محبس آن ولایت موقعیت دارد با کسانی در این محبس نگهداری می‌شوند صحبت نمودند که از برخورد منسوبین محبس ابراز خرسندی نمودند.

در این محبس کورس‌های خیاطی و کمپیوتر برای محبوسین



طبق پلان استراتیژیک سال مالی ۱۳۹۹ ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله و هدایت مقام محترم این وزارت در سفری که هیئت نظارتی ریاست حقوق بشر به ولایت هلمند داشتند، ضمن دیدار و گفتگو با مل پاسوال خلیل الرحمن جواد، قومندان امنیه این ولایت، بخش‌های مختلف قوماندانی امنیه را نظارت و کنترل نمودند که فشرده‌ی آن را در این گزارش می‌خوانید:

سفر هیئت نظارتی ریاست حقوق بشر وزارت امور داخله به ولایت هلمند که سمونمل پلوشه امرخیل، مدیر حقوق بشر قوماندانی امنیه ولایت کابل ریاست آن را به دوش داشت و الحاج سمونمل محمد عارف امیری، معاون مدیریت عمومی اداری و سمونمل محمد ولی نقشبندی، آمر دریافت شکایات مدیریت عمومی حقوق اطفال ریاست حقوق بشر عضو بودند از اداره‌های مربوط به قوماندانی امنیه این ولایت بازدید نموده و کارکردهای ادارات پولیس به‌خصوص در بخش رعایت مسایل حقوق بشری را مورد نظارت و کنترل قرار دادند.

هیئت اعزامی ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله در این سفر همچنان انتخابات شورای پولیس انائیه‌ی ولایت هلمند را برگزار کردند. هیئت متذکره نخست با تمامی پرسونل انائیه قوماندانی امنیه هلمند تدویر جلسه نموده و در رابطه به اهمیت شورای انائیه و برگزاری انتخابات آگاهی‌های لازم ارائه کردند و سپس انتخابات شورای پولیس انائیه برگزار شد و در نتیجه رییس، معاون و منشی شورا انتخاب شدند. طرزالعمل شورای انائیه، کود تشویقی، قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت، قانون منع شکنجه و سایر اسناد حقوق بشری جهت رهنمود و اجراءات بعدی به اعضای این شورا از سوی هیئت اعزامی وزارت امور داخله توضیح و تشریح گردید.

هیئت نظارتی وزارت امور داخله در سفر از پوسته‌های امنیتی،



برگزار شده و همچنان یک حافظ قرآن برای اطفال آنان نیز قرآنکریم آموزش می‌دهد که می‌توان این اقدام را گام ارزنده عنوان کرد.

مدیریت مبارزه علیه مواد مخدر، محبس ولایت، مرکز تربیوی پولیس، مدیریت حقوق بشر، امور زنان و اطفال، قوماندانی جلب وجذب، آمریت عقیدتی و فرهنگی، مدیریت حل پرابلم‌های خانواده‌گی، مدیریت مبارزه با جرایم جنائی و مدیریت عمومی تعلیم و تربیه از ادارات مربوط به قوماندانی ولایت هلمند می‌باشد که هیئت ریاست حقوق بشر امور

تن پرسونل بیسواد و کم سواد کورس‌های سوادآموزی برگزار شده است.

بررسی‌های هیئت نشان می‌دهد که برخی چالش‌ها نیز در ادارات مربوط به قوماندانی امنیه ولایت هلمند وجود دارد که از آن جمله می‌توان از نبود کودکستان در محل کار پرسونل انائیه قوماندانی امنیه، نبود خانه امن، نبود اتاق‌های تبدیلی لباس و تشناب برای پرسونل پولیس انائیه، اجرا نشدن معاشات پرسونل قوماندانی امنیه در زمان مشخص، پرداخت نشدن پول اوپراتیفی مدیریت مبارزه علیه مواد مخدر از چند ماه بدین سو، کمبود وسایط، تجهیزات و سلاح‌های ثقیله در مدیریت مبارزه علیه مواد مخدر، کمبود پرسونل در آمریت نظارت خانه قوماندانی، نبود ادویه لازم برای تداوی محصلین مرکز تربیوی و نبود مسوول انائیه در قوماندانی جلب و جذب آن ولایت نام برد.

بررسی‌های هیئت نشان می‌دهد که مدیریت مبارزه علیه مواد مخدر این ولایت حد اقل به ۲ عراده تانک هاموی و تعداد شش عراده واسطه رنجر نیاز دارند، ساخت یک باب کودکستان در محل کار، ساخت یک باب خانه امن و اضافه نمودن یک بست کمپیوتر کار در مدیریت مبارزه علیه مواد مخدر از نیازمندی‌های اساسی قوماندانی امنیه ولایت هلمند به‌شمار می‌روند.

با این وجود منسوبین پولیس هلمند در گفتگو با اعضای هیئت اعزامی ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله تاکید کردند که رعایت مسایل حقوق بشری، تامین امنیت باشندگان هلمند و تلاش برای جذب بیشتر خانم‌ها به صفوف پولیس ملی از اولویتهای کاری شان خواهد بود و در راستای تحقق و عملی کردن این برنامه‌ها همکاری و هماهنگی لازم با همه ادارات حکومتی در این ولایت وجود دارد.

زنان و اطفال وزارت امور داخله در سفر به این ولایت کارکردهای آن‌ها را مورد کنترل و نظارت قرار داد و مشورهایی خود را جهت بهبود کار این ادارات با مسوولان شان شریک ساخت.

در گزارشی که مدیریت حقوق بشر، امور زنان و اطفال ولایت هلمند به این هیئت ارائه کرد، از شروع سال ۱۳۹۹ الی اکنون به اساس پلان منظور شده، به صورت هفته‌وار، ماهوار و ربعوار پیرامون موضوعات حقوق بشری آگاهی‌دهی صورت گرفته و همچنان در رابطه به جلب و جذب قشر اناث به صفوف پولیس ملی و منع خشونت علیه زنان به همکاری ارگان‌های کشفی، جنائی و هماهنگی با مدیریت عمومی تعلیم و تربیه برنامه‌های نیز برگزار شده است.

این اداره همچنان به منظور ارتقای ظرفیت طبقه اناث در هماهنگی با ریاست امور زنان برنامه ارتقای ظرفیت را هفته یک‌بار در مکاتب نسوان شهر لشکرگاه برگزار کرده است. مدیریت حل پرابلم‌های خانواده‌گی ولایت هلمند از اول سال ۱۳۹۹ الی اکنون (۱۴) قضیه خشونت‌های فامیلی را ثبت، (۸) قضیه را به حارنوالی سپرده، دو قضیه تحت کشف قرار دارد، سه قضیه را به ریاست عدلیه و یک قضیه فرار از منزل را به شورای زنان محول کرده و یک قضیه را به وساطت موسفیدان حل و فصل کرده است.

مدیریت مبارزه با جرایم جنائی نیز از آغاز سال خورشیدی تاکنون دست اوردهای در بخش کار خود داشته اند و مدیریت عمومی تعلیم و تربیه از شروع سال جاری الی اکنون برای ۲۰۰ تن از افسران و ساتنمنان قوماندانی امنیه ولایت هلمند که تعداد ۳۲ تن شان از طبقه اناث استند، سیمینار آموزشی تحت عنوان «ارتقای ظرفیت» را به همکاری موسسه محترم (GIZ) برگزار نموده و همچنان در تمامی قطعات و جزوات‌های قوماندانی امنیه این ولایت توسط ۴۲ تن استاد برای ۱۱۳۶





مروه امینی:

فعالیت اداره‌ی «مبارزه علیه آزار و اذیت» به زنانی که امکان دسترسی به ادارات دولتی را ندارند کمک بزرگی می‌کند

او به خانم‌های که در این برنامه اشتراک داشتند اطمینان داد که از این به بعد اداره‌ی وجود دارد که صدای زن افغان متاثر از عمل زشت و غیر انسانی آزار و اذیت را شنیده و مطابق قانون و با جدیت به این قضایا رسیدگی خواهد کرد.

مروه امینی، سرپرست ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله در این برنامه بر ضرورت و اهمیت اداره‌ی مبارزه علیه آزار و اذیت در چوکات لوی سارنوالی جمهوری اسلامی افغانستان تاکید کرده، تصریح کرد که فعالیت این اداره برای زنانی که امکانات دسترسی به ادارات دولتی را ندارند کمک بزرگی می‌کند.

در این برنامه سارنوال در رابطه به مواد کود جزای کشور، اجراءات جزایی و سایر قوانین که مرتبط به شیوه‌ی رسیدگی به قضایای آزار و اذیت می‌شود به صورت مفصل به اشتراک

ریاست حقوق بشر، امور زنان و اطفال وزارت امور داخله در هماهنگی با ریاست مبارزه علیه آزار و اذیت اداره‌ی لوی سارنوالی جمهور اسلامی افغانستان، برنامه‌ی آگاهی‌دهی را تحت عنوان «اهداف مبارزه با آزار و اذیت» برای مسوولان حقوق بشر اپارات مرکزی و مدیران حقوق بشر حوزه‌های امنیتی پولیس ولایت کابل در تالار این وزارت برگزار کرد که در این برنامه در مورد آزار و اذیت و رسیدگی به قضایای این بخش مطابق قانون به اشتراک کننده‌گان معلومات لازم ارائه شد.

سارنوال عبدالقدیر سهرابزاده، از گردانندگان این برنامه، ایجاد اداره‌ی مبارزه علیه آزار و اذیت در چوکات لوی سارنوالی را یک ضرورت خوانده برای اشتراک کننده‌گان در رابطه به این که کدام حرکات در طرز العمل منع آزار و اذیت، به عنوان آزار شناخته می‌شود به حاضرین معلومات مفصل ارائه نمود.

هر نوع آزار و اذیت.

- رسیده‌گی به رفتارهای نادرست و سوء استفاده از صلاحیت‌های وظیفوی زنان.

- کاهش و جلوگیری از تبعیض و خشونت.

- تعیین پیشنهاد و اعمال مویدات انضباطی و دسپلینی در واقعات آزار و اذیت که وصف جرمی ندارد.

- ارجاع قضایا که وصف جرمی دارد به مراجع مربوط.

گفتنی است که یکی از اولویتهای جدی وزارت امورداخله جمهوری اسلامی افغانستان، مبارزه برعلیه آزار و اذیت می‌باشد. ریاست حقوق بشر، زنان و اطفال وزارت امور داخله از بدو تأسیس تا اکنون همواره کوشیده تا در برابر پدیده شوم آزار و اذیت به صورت جدی مبارزه نماید که در این راستا در روشنی قوانین نافذه کشوراز جمله قانون منع خشونت علیه زنان، مقرره‌ی منع آزار و اذیت زنان و اطفال و حکم مقام عالی ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در مورد ارتقای سطح مصئونیت کاری زنان در سکتور امنیتی، استراتیژی انسجام امور پرسونل اناث، پالیسی جندر پیرامون تقویت حضور زنان در اطفال در اماکن عمومی، طرزالعمل منع آزار و اذیت را تدوین و به منظور تطبیق به تمام قطعات و جزوتم‌های قوای پولیس تکثیر و به منصفی اجرا قرار گرفته است.

کننده‌گان معلومات دادند.

در آخر این برنامه سمونمل شکرالله همره، معاون ریاست حقوق بشر از ایجاد هماهنگی میان ریاست مبارزه علیه آزار و اذیت لوی سارنوالی ج.ا.ا و ریاست حقوق بشر اظهار قدردانی نموده، اعلام کرد که ریاست حقوق بشر آماده است و علاقه دارد که در آینده نیز برنامه‌های را برای منسوبین پولیس میزبان باشد. او تاکید کرد که این‌گونه برنامه‌ها مختص به مرکز نه بل در سایر قدمه‌های ولایتی نیروهای پولیس ملی برگزار شود.

قابل یادآوری است که با تدوین این طرزالعمل کمیسیون رسیده‌گی به شکایات پیرامون هر نوع آزار و اذیت در وزارت امور داخله بر اساس جنسیت، قومیت، ملیت، دین، مذهب، معلولیت، لسان، نژاد، رنگ، حالت مدنی و موقف اجتماعی و سایر موارد تحت ریاست جلالتمآب معین صاحب ارشد امور امنیتی ایجاد تا بستر مناسب حال در محلات کاری و وظیفوی برای منسوبین فراهم گردد.

اهداف و مقاصد طرزالعمل:

- حمایت و تامین حقوق انسانی و حفظ کرامت انسانی و ایجاد محیط کاری مناسب برای منسوبین زن در وزارت امورداخله.
- حمایت آن‌عده از زنان که در قطعات و ادارات وزارت امور داخله مورد هر نوع آزار و اذیت قرار گرفته و یا معروض به آزار و اذیت جنسی باشند.
- بالا بردن سطح آگاهی پیرامون ضرورت برای جلوگیری از





زنان پولیس بهتر می‌توانند به قضایای خانوادگی رسیده‌گی کنند

کامل پیدا می‌کنند. او گفت: «جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی سنتی است، هنگامی که نیروهای پولیس زن چک پاینت ایجاد می‌کنند، اگر در موتر خانم‌ها باشند، به راحتی می‌توانند آن موتر را تلاشی کنند.» نازیه متعلم صنف یازدهی مکتب لیسه حاشیه درانی می‌گوید که بسیار علاقه دارد در آینده یک پولیس شود و از این طریق به کشور و مردمش خدمت کند.

فیض محمد کارمند یکی از اداره‌های حکومتی می‌گوید: مردم به این درک رسیده‌اند که اگر در جامعه به یک داکتر زن نیاز است، به پولیس زن نیز نیاز است، پس خانواده‌ها نباید پیوستن دختران شان به صفوف نیروهای پولیس ملی شوند.

در حال حاضر شماری زیادی از زنان در مرکز و ولایت‌های کشور در صفوف نیروهای پولیس ملی وظیفه اجرا می‌کنند. سهراب محصیل حقوق و علوم سیاسی در یکی از پوهنتون‌های خصوصی می‌گوید که رسانه‌ها، نهادهای جامعه‌ی مدنی و عالمان دین باید در رابطه به ضرورت پولیس زن به مردم آگاهی‌دهی کنند. بر بنیاد آمار وزارت امور داخله‌ی کشور ارائه کرده بیشتر از چهار هزار زن در صفوف نیروهای پولیس ملی در مرکز و ولایت‌ها وظیفه اجرا می‌کنند. این وزارت همواره از مردم و نهادهای مدافع حقوق زن خواسته است تا برای جلب و جذب زنان در صفوف پولیس ملی، این وزارت را یاری کنند.

حضور و مشارکت زنان افغانستان در روندهای سیاسی اجتماعی حق مسلم زنان است، اما مشارکت زنان در صفوف پولیس ملی، افزون بر این که حق زنان است، مسوولیت زنان نیز می‌باشد، زیرا جامعه افغانستان به داشتن پولیس زن نیاز بسیار جدی دارد و زنانی که در صفوف این نیروها وظیفه اجرا می‌کنند، بخشی از کارشان در حقیقت دفاع از حقوق زنان کشور است.

آنان به قضایای زنان بهتر رسیده‌گی و مشکلات زنان را نیز به ساده‌گی حل می‌کنند. زنان پولیس در جلوگیری از خشونت‌ها نقش موثر داشته‌اند.

زنان پولیس همچنان می‌توانند به قضایای خشونت‌های خانوادگی نیز به صورت بهتر رسیده‌گی نمایند.

باوجودی یک سر باورهای کهنه که هنوز هم بر جامعه‌ی افغانستان حاکم است، اما امروز افکار نزدیک به اکثریت مردم افغانستان در باره‌ی بسیاری مسائل تغییر مثبت نموده و موجودیت آن را ضرورت و نیاز احساس می‌کنند که از این میان می‌توان بر مشارکت زنان در صفوف نیروهای پولیس ملی اشاره کرد.

خبرنگار مجله‌ی پولیس زن با شماری از باشندگان شهر کابل مصاحبه کرده و دیدگاه‌های آن‌ها را در رابطه به ضرورت زنان در صفوف پولیس ملی پرسیده است.

محمد شریف دکان‌دار، در منطقه‌ی پل‌باغ عمومی کابل به این باور است که به هر اندازه‌ی که تعداد زنان در صفوف نیروهای پولیس ملی وظیفه اجرا کنند مردم نسبت به این نیروها اعتماد

در این تغییرات، توجه به گسترش فرصت‌ها برای افراد مسن و افزایش دسترسی آنها به بهداشت، حقوق بازنشستگی و حمایت اجتماعی بسیار مهم خواهد بود.

بر اساس آمارها و نظر کارشناسان، به نظر می‌رسد طی سه دهه‌ی آینده، تعداد افراد سالمند در سراسر جهان بیش از دو برابر و در سال ۲۰۵۰ به بیش از ۱٫۵ میلیارد برسد که هشتاد درصد آن‌ها در کشورهای کم‌درآمد و متوسط زندگی خواهند کرد.

سریع‌ترین افزایش تعداد افراد سالمند در شمال آفریقا و آسیای غربی رخ خواهد داد و در مقابل، انتظار می‌رود که این افزایش در استرالیا، نیوزیلند، اروپا و امریکای شمالی که جمعیت آن‌ها در حال حاضر به طور قابل توجهی مسن‌تر از سایر مناطق جهان است، نسبتاً کم باشد.

زندگی طولانی‌تر، نه تنها برای افراد مسن و خانواده‌های آن‌ها، بل برای جوامع فرصت‌های فراوان و موثری را به همراه دارد. سال‌های سالمندی، فرصتی برای دنبال کردن فعالیت‌های جدید مانند تحصیلات بیشتر، شغل جدید و یا خواسته‌هایی که مدت‌ها به فراموشی سپرده شده، فراهم می‌کند.

افراد مسن همچنین از بسیاری جهات به خانواده و اجتماع خود کمک می‌کنند. تجربیات آن‌ها اندوخته‌ی ارزشمندی است که با گشاده‌دستی در اختیار جوان‌ها قرار می‌گیرد و می‌تواند راه موفقیت آن‌ها را هموارتر کند. لازم است به این نکته توجه ویژه شود که وجود و میزان این فرصت‌ها و مشارکت‌ها به شدت به عامل سلامتی این افراد بستگی دارد.

افراد مسن به عنوان رهبران، متولیان و افراد با تجربه و حافظان سنت‌های قدیمی، همیشه نقش به‌سزایی در جامعه داشته‌اند. با این حال، این افراد به خاطر شرایط جسمی و روحی خود ممکن است بسیار آسیب‌پذیر باشند، بسیاری از آن‌ها در فقر قرار می‌گیرند یا با تبعیض روبرو می‌شوند و از جامعه و فعالیت‌های اجتماعی رانده می‌شوند.

نیروی تجربه و اجرایی افراد مسن، پایه‌ی قدرتمندی برای توسعه‌ی پایدار است. بیش از هر زمان دیگر، ما باید به صدا، پیشنهادها و ایده‌های آن‌ها گوش دهیم تا جامعه‌ی سالم‌تر و پویاتر داشته باشیم.

پی‌نوشت:

*این نوشته، ترجمه‌ی آزاد از مطالب سایت سازمان ملل و سازمان بهداشت جهانی در زمینه‌ی روز جهانی سالمندان است.

حقوق سالمندان؛ از سند تا اجرا

◇ زهرا یزدان‌شناس

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ماه دسامبر ۱۹۹۰، اول اکتوبر را روز جهانی افراد سالمند تعیین کرد و یک سال بعد، اصول سازمان ملل برای سالمندان تصویب شد.

در زمینه‌ی حمایت از حقوق سالمندان، این دهه (۲۰۲۰-۲۰۳۰) دهه‌ی سالمندی سالم نام گرفته است.

این دهه فرصتی برای دولت‌ها، جامعه‌ی مدنی، آژانس‌های بین‌المللی، متخصصان، رسانه‌ها و بخش خصوصی برای اقدام هماهنگ و سازنده برای بهبود زنده‌گی افراد سالمند، خانواده و جوامع آن‌ها است.

براساس برنامه‌ی توسعه‌ی پایدار سازمان ملل متحد، همه‌ی کشورها و همه‌ی ذی‌نفعان با این شعار که «کسی را ترک نخواهیم کرد» متعهد و مصمم هستند که اطمینان حاصل کنند تا برای هر انسانی از جمله افراد سالمند، شرایط یک زندگی شایسته همراه با برابری، در یک محیط سالم فراهم شود.

یک اقدام جهانی هماهنگ در مورد سالمندی سالم به سرعت لازم است؛ زیرا در حال حاضر بیش از ۱ میلیارد نفر در سنین بالای ۶۰ سال در دنیا وجود دارند که بیش‌تر آن‌ها در کشورهای کم‌درآمد و متوسط زندگی می‌کنند.

بسیاری از سالمندان به منابع اولیه‌ی لازم برای یک زنده‌گی شایسته، مطابق با کرامت انسانی و عزت دسترسی ندارند و با موانع متعددی برای مشارکت کامل در جامعه روبرو هستند.

دبیرکل سازمان ملل، امسال در پیام خود برای بزرگداشت روز جهانی سالمندان تاکید کرد که پاندومی کرونا باعث ترس و رنجی ناگوار برای افراد سالمند در سراسر جهان شده است. فراتر از تأثیرات فعلی بر سلامتی آن‌ها، این بیماری، این افراد را از نظر فقر، تبعیض و انزوا در خطر بیش‌تری نسبت به گذشته قرار می‌دهد. این شرایط احتمالاً تأثیرات مخرب‌تری بر افراد سالمند در کشورهای در حال توسعه خواهد داشت.

او در پیام خود خواستار این شد که افراد سالمند باید در اولویت تلاش‌ها برای غلبه بر COVID-۱۹ باشند و همچنین با توجه به شرایط همه‌گیری بیماری باید نحوه‌ی پرداختن به سن و سال خردگی را در جوامع تغییر دهیم.



افراد شوخ طبع از آرامش بیشتر روانی برخوردار اند

منبع: sciencedaily



از پیش تعیین شده ادغام شده و باعث می شود هنگام ارزیابی کیفیت، ارتباط و کاربردی بودن داده های مرتبط با طنز منجر به خطا در قضاوت شود.

دوم، تنوع چشم گیر اظهارنظرها، رفتارها و مسایل دیگری که «طنز» قلمداد می شود، مانع ایجاد یک چارچوب استاندارد نظری برای یکپارچه کردن کلیه اطلاعات جمع آوری شده تا به امروز در ادبیات علمی شده است.

بالین حال، هوگو کارترو دیوس تاکید می کند: «تحقیقات ما در یکی از مدل های نظری قرار دارد که هدفش غلبه بر این محدودیت هاست و روان شناسی طنز را در کالبد علمی تیوریکی و بنیادی دقیق ارایه می دهد.

این امر باید ما را یاری کند تا گرایش های رفتاری متفاوتی را که مربوط به استفاده روزمره از طنز می شود تشخیص داده و همچنین بتوانیم با تمرکز بر طبیعت سازگاری طنز - که با طبیعت مضرش در تضاد است - را در لایه های متفاوتی طبقه بندی کنیم.

یکی از سبک های سازگارانه طنز، طنز وابستگی است که با هدف تقویت روابط اجتماعی انجام می شود. در همین حال، شوخ طبعی با محوریت خود باعث می شود که در موقعیت های بالقوه استرس زا و نامطلوب دیدگاه طنزآلود به وضعیت حفظ شود. این نوع طنزها به طور مداوم با شاخص های بهزیستی روان شناختی مثبت مانند خوش بختی، رضایت از زنده گی، امید و ... مرتبط بودند؛ اما گاهی با حالات منفی تر مانند افسردگی و اضطراب نیز همراه بوده اند.

افزون بر این، نویسندگان معتقدند که «داده ها حاکی از وجود رابطه انحنایی بین طنز اجتماعی و ابعاد شخصیتی مانند مهربانی

پژوهشگران در پوهنتون گرانادا از «مرکز تحقیقات ذهن، مغز و رفتار» (CIMCYC) دریافتند افرادی که خود را سوژه شوخی هایشان می کنند و هدفشان جلب رضایت دیگران از طریق تمسخر خود است در سطح بالاتری از آرامش روانی هستند.

یافته های گروه این پوهنتون که اخیرا در ژورنال بین المللی شخصیت و تفاوت های فردی منتشر شده است، با برخی از تحقیقات انجام شده در روان شناسی طنز مغایرت دارد. تاکنون بخش قابل توجهی از مقالات تحقیقی نشان می دهد که خودمحوری در طنز، در بین افرادی که مرتبا از این سبک طنز استفاده می کنند با تاثیرات منفی روان شناختی همراه بوده است. خورخه تورس ماریون، یکی از پژوهشگران این پروژه گفته: «طبق مشاهدات ما کسانی که تمایل بیشتری برای سوژه کردن خود در طنزهایشان دارند، در ابعاد بهزیستی روان شناختی مانند خوش بختی در درجه اول و جامعه پذیری در درجه دوم امتیازات بالاتری گرفته اند.»

او گفته: «نتایج از یک سو با نظرات سنتی مثبت نسبت به عمل «خندیدن به خود» در کشور ما مطابقت دارد و از سوی دیگر نشان می دهد که ممکن است اثرات شوخ طبعی با محوریت خود، بر سلامتی باتوجه به مکان تحقیق متفاوت باشد. در نتیجه معتقدیم که انجام مطالعات جدید با هدف تجزیه و تحلیل اختلافات احتمالی فرهنگی در استفاده از این نوع طنز ضروری است.»

پیامدهای ناشی از اختلافات فرهنگی یا فردی از نظر «حواس طنز» به دو دلیل اساسی در تحقیقات روان شناختی مورد توجه قرار نگرفته است. نخست ماهیت طنزی شوخ طبعی در بین پژوهشگران و هم خوانندگان ادبیات علمی-تخصصی با برخی تعصبات و عقاید

منفی‌شان مانند عصبانیت، برتری، نفرت و ... را نسبت به زمانی که از خشونت جسمی یا کلامی استفاده می‌کنند، به شکل پنهان‌تری ابراز کنند؛ زیرا می‌توانند به ماهیت طنز اظهارنظرهایشان متوسل شده و آن را توجیه کنند.

درعین‌حال، شوخ‌طبعی خودتخریبی با گرایش بیشتر به سرکوب خشم مرتبط است؛ هرچند این سرکوب لزوماً به معنای کاهش یا کنترل خشم نسبت به دیگران نیست، بلکه باعث می‌شود که عوامل محرک چنین واکنش‌های عصبی پنهان مانده یا صریحاً بیان نشوند.

رویکرد جدید در روان‌شناسی طنز تورس مارین و گینس ناوارو کاریلو یادآوری می‌کنند: «با هدف بررسی بیشتر پیوندهای موجود بین تفاوت‌های فردی در استفاده از طنز و سایر متغیرهای روان‌شناختی موردنظر، تحقیقات ما اهداف زیر را دنبال کرده است: در مرحله اول، آرایه ابزار اندازه‌گیری به جامعه علمی برای ارزیابی سبک‌های مختلف طنز در بین جمعیت اسپانیا.

دوم، گسترش دانش موجود درباره پیوندها بین تمایل به استفاده از انواع خاصی از طنز و ویژگی‌های شخصیتی خاص (با ایجاد تحلیل‌هایی که برای تست روابط منحنی بالقوه طراحی شده‌اند) و در آخر، قصد داشتیم رابطه بین استفاده از طنز و مدیریت خشم را که در روان‌شناسی کاربردی اهمیت ویژه‌ای دارد، تجزیه و تحلیل کنیم.»

تحقیقات انجام شده ابزار بسیار مفیدی برای کاوش گزاره‌های مربوط به استفاده از طنز در بین اسپانیایی‌هاست، به‌ویژه مقیاس مرجع بین‌المللی مورد استفاده برای ارزیابی سبک‌های طنز، معروف به «پرسش‌نامه سبک‌های طنز» به‌عنوان بخشی از مطالعه با محیط اسپانیا مطابقت شده است.

و صداقت است. این رابطه بدین معنی است که نمرات کم‌وزیاد به‌دست‌آمده در چنین خصوصیات شخصیتی به‌ترتیب با رغبت کمتر یا بیشتر به اظهارنظرهای طنزآمیز با هدف ایجاد و تقویت روابط اجتماعی مرتبط است.»

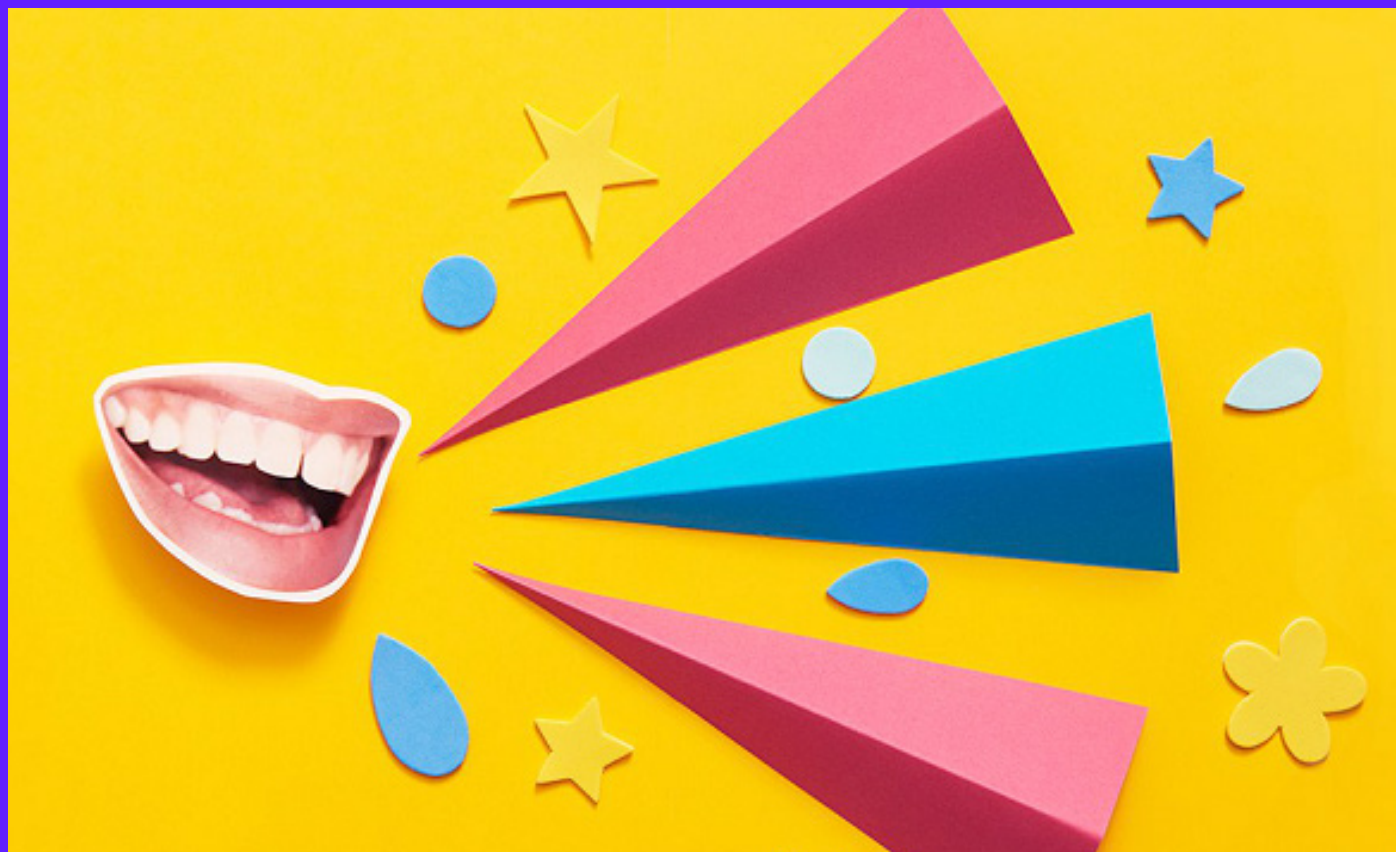
سبک‌های طنز که می‌تواند نیت و احساسات منفی را بپوشاند با این وجود، پژوهشگران همچنین بلافاصله یادآوری می‌کنند که برخی سبک‌های طنز ممکن است برای پنهان کردن نیت و احساسات منفی استفاده شود. همان‌طور که ناوارو کاریلو تأکید می‌کند «[این] نتایج حاکی از آن است که طنز، حتی اگر به‌صورت لطیفه یا با خوش‌نیتی مطرح شود، می‌تواند یک استراتژی برای نقاب گذاشتن بر نیت منفی باشد.

طنز باعث می‌شود افراد با نمرات پایین در صداقت بتوانند احساس اعتماد، نزدیکی و ... را در دیگران برانگیزند و از این طریق اطلاعات مهمی به دست آوردند که برای ملعبه قرار دادن افراد یا سودجویی از آن‌ها در آینده از آن بهره ببرند.»

از یک‌سو نتایج مربوط به رابطه بین استفاده از طنز و مدیریت خشم نشان می‌دهد که ظرفیت حفظ دیدگاه طنزآلود در شرایط نامطلوب، یعنی استفاده از شوخ‌طبعی خودتقویتی، به‌طور معمول در بین افرادی که عصبانیت را بهتر مدیریت می‌کنند و همچنین کسانی که کمتر تمایل دارند احساسات یا واکنش‌های عصبی خود را نشان دهند، دیده می‌شود.

در مقابل، افرادی که تمایل به استفاده از طنز پرخاش‌گرانه یا خودشکستی دارند، خشم یا عصبانیت خود را نیز مدیریت نمی‌کنند. به‌طور خاص، طنز پرخاش‌گرانه عمدتاً با اظهار خشم نسبت به دیگران و تمایل به تجربه بیشتر خشم در زندگی روزمره همراه است.

با استفاده از طنز پرخاش‌گرانه، افراد ممکن است احساسات



کمیسیون حقوق بشر:

آتش بس کنید؛ ادامه‌ی خشونت‌ها زنان و کودکان بیشتر را آسیب می‌زند

◇ یلدا اچکزی



همزمان با آغاز دور دوم مذاکرات صلح میان هیات‌های دولت جمهوری اسلامی افغانستان و گروه طالبان در قطر، کمیسیون مستقل حقوق بشر از طرف‌های درگیر جنگ خواسته تا به آتش بس فوری تن دهند، درغیراین صورت، دوام خشونت و جنگ زنان و کودکان را بیشتر آسیب می‌زند.

این کمیسیون در یک درنامه، گفته است که آتش بس از ضرورت اصلی برای پیش برد مذاکرات و رسیدن به توافق صلح است. در این نامه با اشاره به آغاز دور دوم مذاکرات صلح در قطر، آمده است: «این مذاکرات فرصتی تاریخی برای پایان دادن به جنگ و فراهم سازی زمینه صلح پایدار در افغانستان را فراهم می‌کند. تشدید و تداوم فزاینده خشونت‌ها، تلفات ملکی و خسارات مالی که همه روزه بر مردم وارد می‌شود، امید به صلح را کاهش می‌دهد. این خشونت‌ها همچنین به غیرنظامیان از جمله زنان و کودکان بیشتر آسیب می‌رساند، بر مشارکت عمومی در روند صلح به شدت تاثیر می‌گذارد، تجمعات عمومی، مشارکت فعال زنان، رسانه‌ها و علمای دین را کمرنگ و امیدواری همگانی به این روند را تضعیف می‌کند. بنابراین ما درخواست خود مبنی بر آتش بس را تکرار می‌کنیم و از شما می‌خواهیم کمیته‌ای مشترک تعیین کنید تا درباره مسایلی مانند آتش بس، سازوکارهای نظارت بر آتش بس و همچنین تعیین تیم مشترک برای تحقیق در مورد ادامه رویدادها و قضایای خشونت باری مانند حملات هدفمند، از جمله حملات علیه روزنامه نگاران و مدافعان حقوق بشر بحث و گفتگو کنند.»

کمیسیون حقوق بشر تاکید کرده که مردم افغانستان برای برخورداری از حق حیات، امنیت و آزادی‌های اساسی خود نباید منتظر توافق کامل بر سر یک خط‌مشی یا نقشه راه سیاسی باشند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر در عین حال تاکید کرده که جنگ در افغانستان میلیون‌ها قربانی غیرنظامی از خود به جا گذاشته است. به گفته‌ی این کمیسیون، در سراسر افغانستان، در شهرها و روستاها، میلیون‌ها بیوه، یتیم و افرادی دارای معلولیت ناشی از جنگ وجود دارند. کمیسیون حقوق بشر می‌گوید که جنگ هیچ محله و منطقه‌ای را در کشور بی تاثیر نگذاشته است و تمام مردم به ویژه غیرنظامیان، از حملات انتحاری، بم‌ها و مهمات منفجرناشده، حملات هدفمند، حملات شبانه و حملات هوایی آسیب‌های گوناگون فراوان دیده‌اند و این روند همچنان ادامه دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید: «ما از هر دو هیات مذاکره کننده می‌خواهیم که توجهی ویژه به قربانیان و نگرانی‌های آن‌ها مبذول دارند. ما یک بار دیگر از شما می‌خواهیم که در مورد ایجاد سازوکاری که بتواند حضور قربانیان را در میز مذاکره تضمین کند و به صدای آن‌ها گوش داده شود، توافق کنید. به عنوان یک حق اساسی و قانونی، قربانیان جنگ از هر دو جانب مذاکره کننده می‌خواهند که صدای‌شان را بشنوند و به درد و رنج آن‌ها اذعان کنند و به خواسته‌ی اصلی آن‌ها مبنی بر پایان دادن به جنایات و اطمینان از تکرار نشدن آن احترام بگذارند.»

کمیسیون در این نامه خود، افزوده که پرداختن به حقوق قربانیان به تحکیم صلح کمک می‌کند و خواستار حضور و مشارکت قربانیان در روند صلح شده است.

کمیسیون می‌گوید: «قربانیان نقشی مهم در روند آشتی و التیام ایفا خواهند کرد. اذعان به اهمیت رسیدگی به این نیاز و قبول مسئولیت دولت پس از منازعه، به رفع تلخی‌ها و التیام زخم‌ها و دردهای گذشته کمک می‌کند و امکان صلح در سطح جامعه و کشور را فراهم می‌سازد.»



پولیس زن

بلنه

له ټولو علاقه لرونکو او مسلکي کسانو څخه احترامانه
هيله لرو چې د مطالبو د رالېږلو سره موږ ته خپل
سالم نظرونه او وړاندیزونه چې زموږ د مجلې په غني
کولو کې مرسته کوي و نه سپموئ.

womenpolice14@gmail.com